

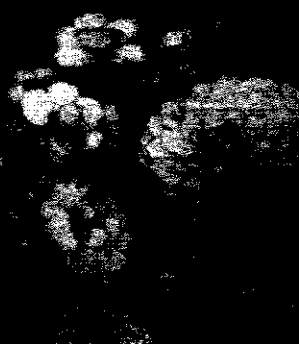


ترجمه و نقد مدخل تاریخ گذاری و قرآن

تألیف: گرهارد دیاورینگ
پژوهشگر و مترجم: دکتر محمد جواد اسکندرلو

چکیده: تاریخ گذاری و قرآن، یکی از مدخل های مهم جلد اول دایره المعارف قرآن لیدن، نوشته گرهارد باورینگ می باشد. این مقاله، اختصاص به ترجمه و نقد این مدخل دارد.

تاریخ گذاری و قرآن، مفهوم قرآنی زمان، مفهوم قرآنی تاریخ و شیوه های صدر اسلام در مورد تعیین ترتیب زمانی دریافت آیات قرآن توسط پیامبر، تحلیل تاریخی - انتقادی عالمان غرب راجع به قرآن و نشانه های موضوعی تاریخ گذاری قرآن، از جمله مباحث مطرح شده در این مقاله اند.



مقدمه

قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که زرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد، شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود... دریایی است که تشنگان آن، آبش را تمام نتوانند کشید، و چشمه‌ای است که آبش کمی نداد، محل برداشت آبی است که هر چه از آن برگیرند کاهش نمی‌یابد... خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان، و باران بهاری برای قلب فقیهان، و راه گسترده برای صالحان قرار داده است.

بررسی معارف و علوم قرآن تقریباً در هیچ دورانی از تاریخ اختصاص به مسلمانان نداشته بلکه این موضوع همواره از سوی عالمان و پژوهشگران غیر مسلمان نیز پی‌گیری شده است به ویژه در قرون اخیر شاهد اهتمام جدی خاورشناسان قرآن پژوه نسبت به پژوهش‌های قرآنی هستیم. برای نمونه می‌توان مؤسسه "بریل" شهر لیدن هلند را نام برد که در زمینه علوم قرآنی، ارزنده‌ترین اقدام اخیر آن، دائرة المعارف قرآن بوده است. این اثر ارزشمند، در قالب پنج جلد و حدود هزار مدخل طراحی شده که البته تاکنون فقط سه جلد آن انتشار یافته و درباره دو جلد دیگر، وعده انتشار تا سال ۲۰۰۵ داده شده است. سر و پرستار این اثر مهم، خانم جین دمن مک اولیف (Jane Dammen McAuliffe) استاد تاریخ و ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون امریکا (واشنگتن دی. سی) است.

در جلد اول دائرة المعارف قرآن لیدن، یکی از مباحث بسیار مهم سرون قرآنی تحت عنوان "تاریخ گذاری و قرآن: Chronology and the Quran" تألیف آقای "گرهارد باورینگ" چاپ گردیده است. در این نوشتار به ترجمه و نقد این مدخل تخصصی و ارزنده می‌پردازیم؛ امید می‌رود که این پژوهش توسط سایر پژوهشگران مورد تحقیق و کتکاش و کاوش بیشتری قرار گیرد.

تاریخ گذاری و قرآن

قرآن آخرین متن از متون مقدس اصیلی است که به صورت زمان گذاری تاریخ بشری پدید آمده است تاریخ آن به زمانی حساس و سرنوشت ساز برمی‌گردد

یعنی هنگامی که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] قرآن را در نیمه شمال غربی شبه جزیره عربستان در طی ربع اول قرن هفتم میلادی ابلاغ نمود. قرآن، رابطه مهمی با سبک و سنت کتاب مقدس یهود و مسیحیت ارائه می‌نماید، در حالی که هیچ نشانی از قرابت ادبی با متون مقدس هندوئیسم و بودائیسم ندارد و نسبت به آثار مقدس زرتشت از شباهت اندکی برخوردار است. عناصر سنت و شیوه کتاب مقدس که قرآن نیز شامل آن است نشانگر موضوعاتی است که در آثار "ابو کریفایی" و "میدراشی" یهودیت و مسیحیت بیش از آن چه که در متون دینی آنان یعنی در عهد قدیم و عهد جدید بسکار رفته، یافت می‌شود. البته هیچ مجموعه مستقلی از آثار مربوط به تورات و انجیل، یا مربوط به ملحقات رسمی آنها (ابو کریفا، میدراش) به عنوان منبع اصلی که احتمالاً قرآن وابستگی مستقیم به آن داشته باشد، شناسایی نشده است.

با وجود این، قرآن به عنوان آخرین کتاب مقدس بترتیب تاریخی ادیان بزرگ جهان، رابطه زمانمند روشنی با سبک و سنت کتاب مقدس یهودیت و مسیحیت دارد. هیچ شاهده‌ی دال بر این که این سنت تا زمان [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] به زبان عربی ترجمه شده باشد (چه به عنوان یک مجموعه آثار یا به شکل کتبی معین) وجود ندارد.

دیدگاه بسیار رایج در میان مورخان دین، این است که شناخت [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] نسبت به سنت کتاب مقدس تورات و انجیل اساساً یا صرفاً از منابع شفاهی نشأت گرفته است. این دانش شفاهی که از طریق شروح و ملحقات تورات و انجیل یارور گردیده بود، به زبان مادری [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] به او منتقل شد؛ و البته سرانجام در قالب نقل‌هایی که بیشتر به زبانهای سریانی، اتیوپیایی، آرامی و عبری ثبت شده بود، به عنوان مدرکی که ریشه در واژگان بیگانه دارد، در قرآن عربی مشاهده گردید و در اصل، این واژگان دخیل از قبل در گفتگوهای دینی عربی محیط بومی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] نفوذ یافته بود.

قرآن نخستین محصول ادبیات عرب از سنخ کتابی مبسوط است که در مقطعی سرنوشت ساز از گویش پیش از اسلام قرار گرفته و بیشتر به صورت نقلی و

منظوم از زبان عربی بوده و به شیوه نثری عالمانه مکتوب گردیده و سرانجام تمدن اسلامی را پدید آورده است (نگارنده آثار منقول و مکتوب در عربستان) اوایل این تحول در زبان عربی از شیوه شفاهی به حالت مکتوب که سه لحاظ تاریخ گذاری دقیقاً به زمان و شخص [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] مربوط می شود، به گونه آشکاری در سنگ منور و مسجع قرآن نمایانگر است. این نثر مسجع و شیوه گویش غیب گویان کاهن پیش از اسلام، یکی از ویژگی های قسران یعنی نخستین متن بزرگ عربی است که این نحوه گویش را به شکل مکتوب آن نشان می دهد.

ریشه های قرآن - این نخستین کتاب عربی - را همچنین می توان در محتوای آن کشف نمود.

آیات قرآن، بسیاری از موضوعاتی را دربر گرفته که بخش مهمی از عبادت و آیین دینی قبیله ای غیر اهل کتاب موجود در عربستان پیش از اسلام را تشکیل داده بود. البته نمی توان ریشه قرآن را به هیچ یک از ادیان قبیله ای موجود در دوران ماقبل اسلام نسبت داد، گرچه آیین دینی مکه بیشترین تأثیر را بر پیش دین قبیله ای عرب که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] آن را در اوایل جوانی خود احراز نمود، گذاشت.

پس از آن که قرآن از لوح محفوظ به پیامبر اسلام نازل گردید، آن حضرت قرآن را به طور روشنی درک نمود و با ایمان کامل، ایسلاغش کرد و آن را در دوران تاریخی خود تلاوت کرد. براساس دیدگاه رسمی مسلمانان،

قرآن ابتدا بطور دقیق در حافظه ها ثبت و ضبط شد آن گاه پس از رحلت پیامبر توسط پیروانش به شکل کتابی کامل مدون گردید. سپس در بستر نقل مستمری با نهایت احتیاط، تلاوت شده و مورد نسخه برداری قرار گرفت.

از دیدگاه مسلمانان، قرآن یگانه کتاب مقدسی است که به شکل الهی خود در طول زمان، دست نخورده [و تحریف نشده] باقی مانده و این کتاب هم به لحاظ این که از خداوند ازلی سرچشمه گرفته و هم از جهت اینکه در طول قرن ها به گونه ای معتبر انتقال یافته است، فراتر از تاریخ گذاری می باشد.

با احترامی که نسبت به دیدگاه اعتقادی مسلمانان درباره قرآن قائل هستیم، از نیمه دوم قرن اخیر، زبان شناسان تاریخی و خاورشناسان و سپس در قرن حاضر اسلام شناسان و پژوهشگران تقصد متون تاریخ ادیان سعی کرده اند که به تحلیل و بررسی قرآن به عنوان متنی ادبی و منبغی تاریخی بپردازند. این رویکردهای عالمانه اساساً بر محور مسائلی از جمله تاریخ گذاری قرآن متمرکز شده است. مفهوم زمان و تاریخ در نظر قرآن چیست؟ آن دسته اطلاعات تاریخی در قسران که این کتاب را به لحاظ تاریخ گذاری به حیات و دوران [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] متصل می سازد، کدامند؟

چه تفاوت هایی بین ترتیب تاریخی نزول واحسندهای جزئی قسران و ترکیب کنونی سوره ها و آیات در جمع نهایی آن به عنوان یک کتاب



نمی توان ریشه قرآن را به هیچ یک از ادیان قبیله ای موجود در دوران ماقبل اسلام نسبت داد

وجود دارد؟ مراحل اصلی تصنیف و تدوین اولیه قرآن به وسیله مسلمانان صدر اسلام به گونه‌ای که امروزه به دست ما رسیده، چه بوده است؟

این‌ها، مسائلی است که در تاریخ گذاری قرآن، محوریت یافته و در زمینه‌های تحسلیل عالمانه متن قرآن، محتوای آن، سبک، ترکیب، تدوین و تاریخ و سیر نخستین آن تا تثبیت نهایی متن قانونی این کتاب، از اهمیت والایی برخوردار شده‌اند.

به خاطر پیچیدگی هر یک از این مسائل، آنها به گونه مجزا مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مفهوم قرآنی زمان

متن قرآن مفهوم تجزیه پذیری از زمان ارائه می‌دهد که فاقد مفهومی از زمان است که به گذشته و حال و آینده تقسیم شده باشد. دلیل عمده، این است که دستور زبان عربی فقط دو بُعد از زمان را می‌شناسد (کامل و غیر کامل) بدون اینکه دقیقاً بین حال و آینده تفکیک قائل شود. قرآن، همچنین جبرگرایی مربوط به زمان مبهم را که پیش از اسلام رایج بود؛ مبنی بر اینکه بر هر چیزی سلطه دارد و کارهای انسانی را بدون امید به زندگی ماورای مرگ نایبود دانسته، رد می‌کند. قرآن پس از اثبات روز قیامت یعنی رستاخیز بدن و روح، زمان را از دیدگاه توحیدی تشریح می‌نماید یعنی وعده فردوس و وعیدها و عذاب‌هایی را می‌دهد. [از سنوی دیگر] خداوند متعال آسمان‌ها و زمین و نخستین افراد بشر را بناگفتن امر موجود بیاش (کن) بوجود آورد.

او طبق اراده خود هر لحظه حیات می‌بخشد یا می‌میراند و بسر تمامی لحظات وجود هر انسانی حاکمیت دارد. رایج‌ترین واژه در عربی برای مفهوم "Time" واژه "زمان" است که در قرآن بکار نرفته بلکه بجای "زمان" یا "قدم" واژگانی بکار رفته که بر مدت زمان محدودی دلالت دارند مانند "وقت"، "حسب"، "آن"، "یوم"، "ساعة" اینها به "زمان" مفاد تجزیه پذیری

می‌دهند که برای ما پیشی نسبت به کار مستمر الهی در جهان به عنوان یگانه علت حقیقی فراهم می‌آورد.

مفهوم قرآنی تاریخ

از آنجا که در زبان عربی، افعال دقیقی برای مفاهیم "بودن" و "شدن" وجود ندارد، لذا تجزیه پذیری زمان نوعی بسینش قسرآنی از تاریخ ارائه می‌دهد که در "طبیعت" نمود یافته ولی محوریت آن به تاریخ انبیا مربوط می‌شود. در قرآن، تاریخ به عنوان نمایشی از پیامبران الهی که هشدار دهنده و هادیان نسل‌های متوالی بوده‌اند و هر یک از آن‌ها پیام توحیدی انبیا را تکذیب نموده و در نتیجه به عذاب الهی گرفتار آمده‌اند، مطرح گشته است. تاریخ اساساً در قرآن به مثابه یکسری وقایع هم‌منسجم ترسیم شده که در آنها ویژگی‌های مشابه، اختلافات حقیقی بین قصص شخصی انبیا را ناپایده و بی‌اهمیت به شمار می‌آورد. بهترین نمونه آن، تفسیری است که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] از تاریخ در پرتو حیات و دوران خود دارد؛ بدین صورت که تجزیه خود را انعکاسی از تجارب همه انبیای پیش از خود می‌داند. و این موجب شده که تنوع حوادث گذشته به گونه الگویی منسجم و متداول مطرح شود. قرآن در مقام سندیت برای ثبت تاریخ نیست بلکه صرفاً گزارش‌هایی از اندرز پیامبران [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، اشاراتی به موقعیت شخصی او، مخالفت دشمنان و سوالات پیروانش ارائه می‌دهد.

اشارات قرآنی به وقایع معاصر دوران حیات [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]

اششارات خاصی وجود دارد که احتمالاً از متن قرآن به عنوان قرائن و شواهد تاریخی مرتبط با دوران پیامبر به دست می‌آید. این اشبارات در بیشتر موارد، تیره و مبهم هستند؛ مانند دوران یتیمی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم].

با احترامی که نسبت به دیدگاه اعتقادی مسلمانان درباره قرآن قائل هستیم، از نیمه دوم قرن اخیر، زبان‌شناسان تاریخی و خاورشناسان و سپس در قرن حاضر اسلام‌شناسان و پژوهشگران نقدمتون تاریخ‌ادیان سعی کرده‌اند که به تحلیل و بررسی قرآن به عنوان متنی ادبی و منبعی تاریخی بپردازند.

عمومش بولهب، تعقیب او توسط اهالی مکه، تحسیرم قبیله‌ای طالبه‌اش در مکه، رقابت سیاسی مکه با طائف، اقدامات مذهبی که در مورد خانه کعبه مشاهده شد، تبه‌های صفا و مروه، کوه عرفات و عبادتگاه مزدلفه.

اشارات رمزی به شکست نظامی رومیان به دست دشمنان ایرانی خود که احتمالاً به از دست دادن اورشلیم در سال ۶۱۴ میلادی انجامید، در آیات دوم تا پنجم سوره روم به چشم می‌خورد. بازگشت برخی از پیروان محمد اصلی الله علیه و آله و سلم از حبشه به مکه احتمالاً در سال ۶۱۵ میلادی و تلاوت سوره مریم برای پادشاه حبشه بر اساس اشاراتی که در سیره روانی پیامبر یافت می‌شود ممکن است مربوط به آیات ۱۹ تا ۲۳ سوره نجم باشد. البته پس از دوران هجرت، اشارات و قرائن صریحی نسبت به نبردهایی که توسط پیامبر در بدر و حنین و احد اتفاق افتاده، وجود دارد. تاریخ این گونه وقایع را لازم است از منابع غیر قرآنی همچون منابع شرح حال نگاری پیامبر جستجو نمود. شواهد تاریخ گذاری قابل اعتمادی در قرآن وجود ندارد که بتواند با دوران قبل از هجرت تطبیق یابد. فقط قرائن نسبتاً متغیی مربوط به وقایع شرح حال پیامبر پس از هجرت هست که قابل انطباق زمانمندی با آیاتی از قرآن می‌باشد.

شیوه‌های صدور اسلام در مورد تعیین ترتیب زمانی دریافت آیات قرآن توسط پیامبر

از همان قرن‌های نخست اسلام، فقها و عالمان مسائل فقهی، حساسیت ویژه‌ای نسبت به ناسازگاری‌های ترتیب نزول که بر انواع تصریحات فقهی قرآن تأثیر می‌گذارد، از خود نشان می‌دادند یا ادعان به اختلاف‌ها و تنوع احکامی که در آیات مختلف قرآن یافت می‌شود، آنها نظریه نسخ را مطرح کردند که فهرستی از آیات نامسخ و منسوخ را بر مبنای ترتیب نزولشان ارائه نمود.

عالمان مسلمان دیگر به ویژه آثار اولیه مفسران، آثار مملو از حنجم گسترده‌ای از اطلاعات ترتیب نزولی

بود که می‌توانست برگرفته از قرآن باشد و بدینسان مربوط به سیره پیامبر یعنی گزارش‌هایی درباره اقوال و افعال آن حضرت و تاریخ نگاری عزوات پیامبر که ارتباط با آیات خاصی از قرآن دارد این امر به طرح منشأ دیگری از منابع تحت عنوان اسباب نزول انجامید. هر دو شیوه مذکور بررسی ترتیب زمانی خود را بر اساس آیات مجزا یا فزاهایی مستقل از قرآن متمرکز نمودند نه جای آن که بخواهند تمام سوره را محور کار خود قرار دهند. این رویکرد، با جنبه تدریجی نزول قرآن بسیار سازگارتر بود. گروه دیگری از عالمان مسلمان در اواخر دوران قرون وسطا ارزیابی خود را راجع به ترتیب زمانی قرآن بر اساس این فرض استوار نمودند که هر سوره‌ای واحدهای خاص قرآنی را به وجود آورد که می‌تواند به آسانی به دو دسته مکی و مدنی تقسیم شود. نخستین تلاش در این زمینه، ارائه فهرستی از سوره‌های منسوب به ابن عباس بود.

عالمان بعدی همین شیوه را تشریح نمودند تا به صورت منبای ثابتی در تفسیر بیضاری و اتقان سیوطی در آمد. قرن‌های بعد به تدریج نقطه شروع کار اصلی پژوهش‌های غربی در تاریخ گذاری قرآن شد. هر چند، عالمان مسلمان می‌بایست با این حقیقت روبرو می‌شدند که فهرست تاریخ گذاری دقیق سوره‌ها از زمان قسزاده (م. ۱۱۲) مورد تردید و اختلاف بسوده و اینکه قرآن یزوهان در مورد یازدهی از سوره‌ها به توافق نرسیدند که آیا مکی هستند یا مدنی و از همین رو فهرستی از هفده سوره مورد اختلاف [مختلف فیها] تنظیم کردند که عبارت بودند از: سوره‌های رعد، محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، رحمن، حدید،

صفت، تغابن، مطفین، تین، قدر، بینه، زلزله، عادیات، تکوین، ماعون، اخلاص، قلق و ناس. عالمان دیگر به این مجموعه شش سوره دیگر را افزودند: ۴۹ (حجرات)، ۶۴ (جمعه)، ۶۳ (منافقین سون)، ۷۷ (مرسلات)، ۸۹ (فجر) و ۹۲ (لیل).

سلسله‌انجام ترتیب تاریخ گذاری بر آری منسوب به ابن عباس به گونه گسترده‌ای مقبولیت یافت و از طریق چاپ اسناد دارد مصر که در سال

از نیمه دوم قرن نوزدهم، خاورشناسان به طور جدی با پژوهش‌هایی ادبی درباره قرآن درگیر شدند که مربوط به دستاوردهای عالمانه سنتی اسلامی راجع به زبان‌شناسی تاریخی و شیوه‌های نقادانه متن‌شناسی می‌شود که پژوهش‌های متون مقدس در اروپا مطرح نموده بود.

۱۹۲۴ منتشر گردید کاملاً برگزیده شد که در آن ۸۶ سوره مکی شناسخته شد که در رأس هر یک از آنها عنوانی بود که بیانگر تاریخ دقیق نزول آنها براساس کار پژوهشگران مسلمان بود.

تحلیل نقدی - تاریخی عالمان غرب راجع به قرآن

از نیمه دوم قرن نوزدهم، خاورشناسان به طور جدی با پژوهش‌هایی ادبی درباره قرآن درگیر شدند که مربوط به دستاوردهای عالمانه سنتی اسلامی راجع به زبان‌شناسی تاریخی و شیوه‌های نقادانه متن‌شناسی می‌شود که پژوهش‌های متون مقدس در اروپا مطرح نموده بود.

نمایش عالمانه متفکری به منظور نیل به ترتیب نزول آیات و سوره قرآن انجام گرفت که می‌تواند بنا بر رشد و ویژگی‌های متنوع شخصیت دینی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] منسجم باشد این کار توسط "گوستاویو ویل" در کتاب (Historisch - Kritische Einleitung Bielefeld ۴۲۸۱) آغاز شد که اوج خود را در کتاب تاریخ قرآن (Geschichtedes Qorans) نمود و در تولد که یافت که بعداً توسط "فرد ریش شسوالی" تجدید نظر و گسترش یافت و سپس توسط "گانلف برگشت راسر" و "انو پریتزول" در قالب کتابی سه جلدی عرضه شد و این کار مبسوطی پژوهش قرآنی غرب و چارچوبی پذیرفته شده راجع به تاریخ گذاری قرآن فرار گرفت و آنگاه "رزی بلاشیر" در کتاب "درآمدی بر قرآن" تنقیحات بیشتری را بر آن افزود. ترتیب زمانی سوره‌ها

که از طریق پژوهش قرآنی غرب تشریح گردید، عمدتاً تفکیک پژوهش سنتی اسلامی را بین سوره مکی و مدنی پذیرفت و به علاوه مرحله دوران مکی قرآن را به سه دوره مجزای دیگر تقسیم نمود.

شیوه دیگری که در زمینه تاریخ گذاری، نتایج مشابهی را به بار آورد توسط "هارت ویگ هرشفلد" در کتاب "ترکیب و تفسیر"، (لندن ۱۹۰۲) انتخاب شد. او سوره مکی را به

دوره‌هایی خاص بر اساس پنج معیار ادبی تنظیم نمود: سوره اثباتی، سوره خطابیه (موعظه‌ای)، سوره نقلی و داستانی، سوره توصیفی، و سوره تشریحی (حقوقی)؛ این کار را در مورد دسته‌ای از سوره مدنی نیز انجام داد. چند سال پیش از آن "ویلیام مور" در کتاب (قرآن، ترکیب و تعلیمش لندن ۱۸۷۵) برای تنظیم سوره‌ها پیشنهاد استکار آمیزی را مطرح نمود یعنی تاریخ هیجده سوره کوتاه تحت عنوان "سوره شعف اور" را مربوط به قبل از دعوت علنی پیامبر دانست (سوره‌های عنصر، حادثات، زلزله، شمس، قریش، فاتحه، قارعه، نین، نکات، همزه، انفطار، لیل، لیل، فجر، بلد، صبحی، شبح و کوثر).

رویکرد کاملاً متفاوتی توسط ریچارد بل (در کتاب دو جلدی "قرآن" چاپ ادینبرگ ۹-۱۹۲۷) او در کتاب دو جلدی دیگرش بنام "تفسیری بر قرآن" که پس از فوت او منتشر گردید چاپ ۱۹۹۱ در منچستر) اتخاذ شد او تقسیم زمانمند قرآن به دو دوران مکی و مدنی را رها نموده و بجای آن نظام تاریخ گذاری بسیار ذهنی و نامربوطی برای آیات جزئی در قرآن به عنوان یک مجموعه طراحی کرد. در مقام واکنش نسبت به رویکرد "بل"، دو دیدگاه دیگر مطرح شد یکی توسط "جان وائس بروگ" (در کتاب "مطالعات قرآنی، چاپ ۱۹۷۷ لندن) و دیگری مربوط به "جان برتون" (در کتاب "جمع قرآن" چاپ ۱۹۷۷ کمبریج) که از زوایای کاملاً مخالفی، فرضیه‌های مربوط به رویکرد تاریخ گذاری غرب را رد نمود. [از سسوی دیگر] "رودی بارت" (در کتاب Der Koran - Kommentar und Kankordanz چاپ اشتوت گارت) مسأل (۱۹۷۱) یافته‌های مهم پژوهش غرب در زمینه تاریخ گذاری قرآن با بررسی‌های اصلی و فرعی تألیف غرب را در کتاب مختصر تفسیر متعادل و سازگار با قرآن ترکیب نمود.

هدف از نادیده گرفتن چارچوب ترتیب نزول آیات و سوره قرآن آن چنان که در پژوهش غربی تعیین شده عبارت بود از تقسیم نمودن نزول قرآن به چهار دوره که سه دوره آن مربوط به مکه و دوره اخیر آن مربوط به مدینه بوده و نیز

بل تقسیم زمانمند قرآن به دو دوران مکی و مدنی را رها نموده و بجای آن نظام تاریخ گذاری بسیار ذهنی و نامربوطی برای آیات جزئی در قرآن به عنوان یک مجموعه طراحی کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



متفاوت بودند، مورد استنباط قرار گیرد، بنا این وجود، تقسیم سوره‌های مکی به سه دوره متوالی، نظریات نوین متعددی را نسبت به اوایل نبوت [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] پیش از هجرت، بسبب وجود آورد و نیز دیدگاه‌های برجسته‌ای را در مورد مراحل مهم تحول در ابلاغ اولیه قرآن مطرح ساخت.

به طور کلی تقسیم چهار دوره‌ای ابلاغ قرآن بر پایه دو اصل عمده مطرح شد.

این تقسیم، سوره‌قرآنی را به لحاظ نقد و تحلیل منشأ آنها مربوط به آن دسته از وقایع تاریخی دانست که از سایر منابع غیر قرآنی شناسایی شده بودند و به لحاظ تعیین نظام سوره‌ها، ماهیت زبان شناسختی و سبک‌شناسی سوره به سوره از متن عربی قرآن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد (بنگرید به مدخل «دستور زبان و قرآن»، «شکل و ساختار قرآن»). همچنین نشانه‌هایی روشن بین دوره‌های مکی در زمان تقریبی هجرت به حبشه در حدود سال ۶۱۵ میلادی، و زمان بازگشت مایوسانه پیامبر از طائف در حدود سال ۶۲۰ میلادی قرار داد و تاریخ هجرت را در سال ۶۲۲ میلادی به عنوان ملاک تقسیم بین سوره مکی و مدنی معین فرمود. شرحی اجمالی از انواع اصلی تنظیم تاریخ گذاری سوره‌ها در مقایسه با ترتیب کنونی آنها در قرآن را می‌توان در کتاب «درآمدی بر قرآن» وات بسط مطالعه نمود. آن دسته از سوره‌هایی که در طبقه بندی دوران نخست و اوایل مکه جای گرفتند در تاریخ گذاری تولد که

هدفشان پیوند دادن این‌ها به یک نگاه تحول درونی تدریجی در ضمیر خود آگاه پیامبر و آن خط مشی سیاسی بوده که پژوهش غربی از طریق شرح حال زندگی آن حضرت در ارتباط با مطالب قرآنی ارائه داده است. این کار به استکار «آلوئیس اسپرنگر» (در کتاب سه جلدی "Lehre und Leben" چاپ ۵-۱۸۶۱) و «هابرت گریم» (در کتاب «محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]» چاپ ۵-۱۸۹۲) انجام گرفت و سپس توسط «فرانتس نهل» (در کتاب Das Leben Mohammeds چاپ ۱۹۳۲) و از طریق توضیحات خاص «مونتگمری وات» (در کتاب «محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]» در مکه» چاپ ۱۹۵۳ و کتاب «محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]» در مدینه» چاپ ۱۹۵۶) رشد و گسترش یافت.

پژوهش تاریخ گذاری قرآن و تحقیق در زمینه شرح حال نگاری سیره پیامبر و استسگی نزدیکی به یکدیگر داشتند از همین رو، تهدید یک استتدلال دوری بعنوان خطری پیوسته برای چنین رویکردی باقی می ماند چرا که سرآورد ذهنی رشد و تحول دینی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] لازم بود با تأمل در انواع آیات قرآنی که کاملاً یا آیات نازل شده اولیه

هیچ یک از این
 نظام‌های ترتیب
 تاریخ گذاری آیات و
 سوره‌قرآنی مورد
 پذیرش قرار
 نگرفتند.

تجسمی مانند توصیف پدیده‌های طبیعی، تشریح زندگی بشر و ارائه تصویر روشنی از بهشت و دوزخ بود. از نشانه‌های دیگر آنها ذکر قصص پیامبران پیشین و عواملی است که بطور خاص از داستان موسی نقل شده مانند سرزنش دشمنانش و تشویق آن حضرت و گروه کوچکی از پیروانش محل سوگندها "در عناوین ابتدای آیات، انتخاب شده مانند "این وحی الهی است" و مانند کاربورد مکرر "قل" که بسه منظور اعلام پیام خاصی قرآنی است که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] مأمور به اسلاخ آن می گردد. نام "الرحمن" که یکی از اسامی خداوند است و از دوران ماقبل اسلام در قسمت جنوبی و مرکزی عربستان بکار می رفته، گر چه اهالی مکه پیش از اسلام از آن احتراز می ورزیدند، در این سوره‌ها فراوان استعمال گردیده که البته در دوره سوم، دیگر کاربردی ندارد (بنگرید به ذیل گفتگو راجع به اسامی الهی)

شامل چهل و هشت سوره هستند که بر اساس این ویژگیها شناسایی شده‌اند: یکسانی در سبک" که بیانگر احساسات (حضرت) محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] در آغاز رسالت است به زبانی که به گونه رسا تصویری را تفهیم می کند، گویای شمسور و هیجان هستند، آیات آنها کوتاه" و موزون می باشد و به سبک و صبغه شاعرانه فوی و همراه با سسی سوگند در آغاز سوره‌ها یا فرازهای قرآنی نازل شده‌اند. بیشتر این سوره‌ها که به عنوان یک دسته معین شده‌اند به جای آنکه در ترتیب دقیق تاریخ گذاری نزولشان در نظر گرفته شوند، کوتاه هستند. بیست و سه سوره از آنها کمتر از بیست آیه دارند و چهارده سوره دیگر دارای کمتر از پنجاه آیه هستند، آنها اشاره به هشدارهای جدی پیشگویانه راجع به پایان این جهان و حکم و قضاوت نهایی پروردگار در باره انسان‌ها دارند (بنگرید به مدخل "پیشگویی"). این سوره‌ها شامل گزارش‌هایی مربوط به حملات شدید پیامبر علیه دشمنان مکی خود به خاطر پیروی آنها از دین قبیله‌ای اجداد عربشان می باشد و نیز راجع به تکذیب‌های تند آنان و اتهامات زیان بارشان در برابر ادعای وحیانی بودن سخنان پیامبر است که آن حضرت را به گونه اهانت آمیزی کاهن، شاعر و مجنون می خواندند.

سوره‌های دوره دوم مکی یا دوره میانی مربوط به مکه بیست و یک سوره‌اند که دارای آیات و واحدهای طولانی تری از وحی هستند که سبک منثور آنها بیشتر است و نمی توان به روشنی یک ویژگی متداول مستقلی را برای آنها ارائه داد. نشانه آنها عبارت است از انتقال پیامبر از حالت هیجانی مرحله اول به حالت آرامش بیشتر او در مرحله ثانی که هدفش تأثیر گذاردن بر مخاطبان خود از طریق ادله توصیفی و

تجسمی مانند توصیف پدیده‌های طبیعی، تشریح زندگی بشر و ارائه تصویر روشنی از بهشت و دوزخ بود. از نشانه‌های دیگر آنها ذکر قصص پیامبران پیشین و عواملی است که بطور خاص از داستان موسی نقل شده مانند سرزنش دشمنانش و تشویق آن حضرت و گروه کوچکی از پیروانش محل سوگندها "در عناوین ابتدای آیات، انتخاب شده مانند "این وحی الهی است" و مانند کاربورد مکرر "قل" که بسه منظور اعلام پیام خاصی قرآنی است که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] مأمور به اسلاخ آن می گردد. نام "الرحمن" که یکی از اسامی خداوند است و از دوران ماقبل اسلام در قسمت جنوبی و مرکزی عربستان بکار می رفته، گر چه اهالی مکه پیش از اسلام از آن احتراز می ورزیدند، در این سوره‌ها فراوان استعمال گردیده که البته در دوره سوم، دیگر کاربردی ندارد (بنگرید به ذیل گفتگو راجع به اسامی الهی)

سوره‌های دوره سوم مکه یا اواخر این دوران مکی بیست و یک سوره‌اند اما در هیچ نوعی از ترتیب تاریخ گذاری درونی قرآن نمی گنجند. آنها نوع گسترده‌ای از سبک منثور با نمونه‌هایی منسجم را نشان می دهند که رفته رفته به حالت قالبی و کلیشه‌ای درمی آیند و نوعاً به پسوند "اون" و "این" ختم می شوند. تعبیر "یا ایها الناس" توسط [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] به طور فراوان در خطاب به پیروانش به صورت گروهی بکار می رود. سخنان تصویری و تخیلی پیامبر، کم رنگ شده و آیات وحی شکل خطابه‌ها یا سخنرانی بخود می گیرد و قصص انبیا افکار پیشین را تکرار می کند. روی هم رفته، این دسته از سوره‌ها می تواند به عنوان نمایی از خشم یا رنجش پیامبر در برابر برخی از هم قبیله‌ای‌های مکی نسبت به پیام او به شمار آید.

سور مدنی ۲۴ سوره‌اند و به ترتیب تاریخ مند خاصی یکی پس از دیگری قرار گرفته و بیانگر قدرت فراینده سیاسی پیامبر و تشکیل چارچوب اجتماعی امت اسلامی او هستند. (رک: مدخل "امت و جامعه")

پیامبر به عنوان رهبری شناخته شده و رسمی در دین و امور اجتماعی جامعه مدینه، جامعه‌ای که پیش از ورود آن حضرت، از طریق اختلاف و کشمکش‌های درونی از هم پاشیده بود، آیات قرآنی او در ارتباط با تشریح احکام حثانی، امور داخلی همچون قوانین ازدواج و طلاق و ارث، و دعوت بسسه جهاد در راه خدا نازل گردید. گروه‌های مختلف مردم، هر یک بسا عنوانی خاص مورد خطاب قرار گرفتند. بسه عنوان نمونه، مؤمنون، مهاجرین مکه و انصار مدینه یا تعبیر "یا ایها الذین آمنوا" ولی آن دسته از اهالی مدینه که به پیامبر، بدگمان و بی اعتماد بودند و در گرایش به اسلام تانی و درنگ داشتند تحت عنوان "منافقون" خطاب شدند. اعضای قبایل فریظه نظیر و قبیله منجموعاً به عنوان یهود و مسیحیان به عنوان "نصاری" خوانده شدند.

پیش از سی مرتبه - و فقط در آیات مدنی - افرادی که از قبل به آنها کتاب آسمانی داده شده بود همگی با لقب "اهل الکتاب" مطرح شدند تا از گروهی که فاقد کتاب آسمانی بودند و "آمین" نامیده می شدند تفکیک گردید. گروه دوم کسانی بودند که خداوند پیامبرش را با لقب "النسی الامی" در آیات او آخر مکه از میان آنان برگزید. دسته مهمی از آیات قرآن مربوط به سور مدنی به قطع رابطه پیامبر با قبایل یهود اشاره دارد، و سپس مطرح ساختن شخصیت ابراهیم - با کمک اسماعیل -

بعنوان بیانگذار خانه کعبه و نخستین اسوه مسلمان حنیف که بیانگر دین خالص الهی است (ملة ابراهیم) و بعداً به وسیله [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] تفسیر و تفسیر گردید.

اساسی ترین ترتیب تاریخ گذاری آیات و سور قرآن توسط "ریچارد بیل" انجام گرفت کسی که فرضیه‌های مسبوط توأم با قیود و شروطی خاص را استنباط نموده، او گنمت که ترکیب

قرآن از سه مرحله برخوردار شده است: مرحله "آیه"، مرحله "قرآن" و مرحله "کتاب". نخستین مرحله از دیدگاه "بیل" مربوط است به عبارات مشتمل بر آیات و بند و اندر زهای در ارتباط با عبادت پروردگار آنها بیانگر قسمت عمده مواظب پیامبر در مکه است که صرفاً مقداری پراکنده و ناقص از آنها باقی مانده است. مرحله "قرآن" شامل اواخر زندگی پیامبر در مکه و دو سال فعالیت او در اوایل دوران مدینه می شود که در طی این دوران پیامبر به کار فراهم آوردن مجموعه‌ای از محفوظات دینی و عبادی پرداخت. مرحله "کتاب" متعلق است به فعالیت او در مدینه که آغاز آن به اواخر سال دوم پس از هجرت برمی گردد که از آن زمان پیامبر در حدود تدوین قرآن (به صورت کتاب) سرآمد. البته در قرآن کتبی، هیچیک از این سه مرحله را نمی توان بسطور دقیق و مجرایافت زیرا فرازهای مشتمل بر "آیه" بتدریج در مجموعه عبادی گنجانده شد و محفوظات شفاهی پیشین بعداً مورد تمسح و تعدیل قرار گرفته و قسمتی از کتاب مدون را تشکیل دادند. "بیل" اغلب در مقام تبیین نظام پیچیده خود در مورد معیارهای تفکیک کننده، به اظهار نظرانی نسبتاً کلی بسنده نموده است، او سوره‌ها را بر اساس برداشت‌های شخصی خود تجزیه نموده و بسه گونه خود سرانه (استحصانی) مطرح کرده که آیات خاصی کنار گذاشته شده بودند در حالی که آیات دیگری که قرار بود کنار گذاشته شوند، حفظ و نگهداری گردیدند. او البته بصورت قاطعانه بحث کرده که واحدهای اصلی وحی آریاتی کوتاه و پراکنده بوده‌اند که پیامبر خود آنها را در داخل سوره‌ها جمع نمودند و این که در فرایند تدوین قسیران که توسط کاتبان وحی در طی دوران حیات پیامبر در مدینه به اجرا درآمد، استناد و مدارک مکتوبه اعمال گردید. "بیل" تا در نظر گرفتن تدوین قرآن در طی حیات پیامبر، تقسفه آغازین قرآن بعنوان متن مقدس را به زمان جنگ بدر مربوط می داند. برای "بیل" این واقعه نقطه عطف بشمار می آید در حالی که مسأله هجرت با بعنوان یک معیار تفکیک در ساختار

از آنجا که حروف مقطعه تنها در آغاز سوره‌ها به کار رفته و هیچگاه در داخل سوره به کار نرفته تا نوعی بریدگی در سبک یا سجع یا متن را ایجاد کند، معلوم می گردد که آنها متعلق به نخستین مرحله تدوین توسط خود پیامبر بوده‌اند به جای آنکه مربوط به نخستین ابلاغ آیات قرآن یا آخرین جمع نهایی قرآن پس از رحلت آن حضرت باشند.

طبقه بندی سوره‌ها محسوب نمی‌شود.

هیچ یک از این نظام‌های ترتیب تاریخ گذاری آیات و سوره قرآنی مورد پذیرش قرار نگرفتند. نظام تئودورنولدکه و اصلاحات آن یک حساب سرانگشتی [یا قاعده تجربی] را برای ترتیب تقریبی سوره‌ها در چینش زمانمند آن‌ها فراهم آورد.

فرضیه "بیل" این بود که جمع نهایی قرآن فرایند پیچیده‌ای از اصلاحات پایایی ای بود که نسبت به مطالب اولیه اعم از شفاهی و یا آنچه که به شکل مکتوب در مرحله نخست در دسترس بوده‌اند، انجام گرفته بود. پژوهش قرآنی غرب به سه طریق مختلف، دورکن را تثبیت نمود که بر اساس آنها دیدگاه‌های سنتی مسلمانان راجع به تاریخ گذاری قرآن پایه گذاری شده بود: اول اینکه نزول قرآن به صورت تدریجی و پراکنده بوده و رکن یا اصل دوم این بود که جمع قرآن به صورت کتاب بر پایه دو گونه مدارک انجام پذیرفت. یکی اسناد و مدارک مکتوب که توسط کاتبان وحی و به املائی پیامبر فراهم آمده بود و دیگر آن آیات قرآنی بود که در حافظه جمعی حلقه صحابیان وجود داشت تمام شیوه‌های تحلیلی تاریخ گذاری اعم از سنتی اسلامی یا شسیوه جدید غرب بر این اصل اتفاق نظر دارند که ترتیب سوره‌ها در اعلام پیامبر بنا آنچه که الان در قرآن مکتوب می‌یابیم متفاوت می‌باشد زیرا در قرآن کنونی سوره‌ها بطور کلی بر اساس اصل کاهش طول و اندازه سوره‌ها تنظیم شده‌اند.

یکی از نتایج طبقه‌بندی سوره‌ها در جریان تاریخ گذاری، توجهی بود که نسبت به اولین و آخرین واحسدهای نزول قرآن اعمال گردید. این مطلب اجماعی است که اولین آیات نازل بر پیامبر آیات اول تا پنجم سوره "علق" یا آیات اول تا هفتم سوره "مذثر" بوده که پیامبر تلاوت نموده است. منظور خاص، آیات اول تا پنجم سوره "علق" که شامل فرمان "اقرأ" بوده از همان ریشه عربی گرفته شده که واژه "قرآن" از آن مشتق شده است و همچنین آیات اول تا هفتم سوره "مذثر" که احتمالاً اشاره به از خواب برخاستن پیامبر در هنگام شب دارد به ویژه اگر به موازات آیات اول تا پنجم سوره "مزل" در نظر گرفته شود، در منابع روایی مربوط به بعثت پیامبر، شناخته شده‌اند. این دعوت به نبوت، طبق روایات اسلامی در خلال شب قدر واقع

شده که توأم با آغاز نزول قرآن بوده است که نوعاً آن را مصادف با روز بیست و هفتم ماه مبارک دانسته‌اند. همانگونه که باید انتظار داشت، آخرین سوره‌های قرآن در میان سوره‌های مدنی جستجو شده و پژوهش اسلامی آن را سوره‌های مانده، توبه یا نصر دانسته است. برخی به آیه ۲۷۸ یا ۲۸۱ سوره بقره یا آیه ۱۷۴ سوره "نساء" به عنوان آخرین آیه نازل اشاره کرده‌اند. در حالی که از نظر دیگران آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره توبه آخرین آیاتی بوده است که در طی جمع آوری مطالب قرآنی به شکل کتاب، یافت شده است. البته مناسب‌ترین آیه‌ای را که می‌توان به عنوان آخرین آیه نازل به شمار آورد آیه سوم سوره مائده است که در تأیید پیامبر نازل شده: "الیوم اکملت لکم دینکم و بيشترین نقطه توافق پژوهشگران غربی با پژوهشگران مسلمان در مورد همین آیه است.

نشانه‌های موضوعی تاریخ گذاری قرآن

تاریخ گذاری قرآن همچنین از طریق طرح مباحث دروسی قرآن روشن می‌گردد که چهار موضوع از آنها می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد: حروف مقطعه، نمازهای یومیه، نام خداوند و شخصیت اسراریم. از دیدگاه سبک‌شناسی، یک پدیده خاص و برجسته قرآنی در ارتباط با مسائل تاریخ گذاری، همان حروف به اصطلاح اسرار انگیز یا حروف مقطعه‌ای است که بلافاصله پس از "بسم الله" عبارت آغازین "بسم الله الرحمن الرحیم" در ۲۹ سوره قرآن به کار رفته‌اند. منابع اسلامی که حروف مقطعه را جزء لاینفک وحی قرآنی شمرده‌اند برغم آنکه توضیحات مختلفی درباره این حروف داده‌اند، هیچ معنای واقعی و معینی برای آنها ذکر نکرده‌اند. بسیاری از عالمان مسلمان و پژوهشگران غربی تلاش نمودند که نقش این حروف را در قرآن تفسیر کنند، لیکن هیچ تفسیر رضایت بخشی در میان آنها یافت نمی‌شود، برخی از آن تفسیر عبارتند از: این حروف بیانگر علائم اختصاری اسماء الهی هستند؛ حرف اول نام افرادی است که در تدوین قرآن، صاحب صحیفه‌ای خاص بودند، بیانگر حروف الفبای عربی یا تنها حروف اسرار آمیزی هستند که مفهوم آنها را جز خداوند نمی‌داند. البته سه عامل اساسی می‌تواند در راستای

تفسیر تاریخمند نقش این حروف در قرآن مؤثر باشد.
۱. حروف مقطعه در آغاز نیست و نه سوره قرآن مربوط به سوره او آخر مکه و اوایل مدینه هستند این حروف گاهی تنها ذکر می شوند و گاهی در یک دسته دو تایی تا پنج تایی برخی از این حروف تنها یکبار و برخی دیگر از آنها در آغاز دو یا پنج یا شش سوره به کار رفته اند.

۲. این حروف به لحاظ قرائت، به طور مجزا از هم، همچون نام حروف الفبا تلفظ می شوند. و منابع مربوط به قرائت مختلفه قرآن، هیچ اختلافی راجع به قرائت این حروف مطرح نکرده اند.

۳. آنها بیانگر هر شکل صامت (بدون اعراب) الفبای عربی در رسم الخط کوفی (نخستین رسم الخط عربی) یعنی چهارده شکل هستند و هیچ شکلی برای بیش از یک حرف الفبائی به کار نرفته است. بر اساس این عوامل ثابت، می توان گفت که حروف مقطعه با نوعی از ترتیب سوره ها ارتباط دارد یعنی کاربرد حروف الفبای عربی در زمانی بوده است که پیامبر سوره ها را به منظور اهداف دینی و دعائی جمع نموده و نخستین گام ها را در جهت انجام متنی مکتوب برداشته است. این توجیه نسبتاً کلی راجع به حروف مقطعه در پیدایش تاریخمند متن قرآن می تواند از طریق این واقعیت تأیید شود که برخی از سوره های خاصی که مصدر به حروف مقطعه ای از قبیل "الم"، "الر"، "حم" و "طسم" شده اند در ترتیب کنونی قرآن در کنار هم قرار گرفته اند بسا آنکه در مواردی طول آنها کاملاً متفاوت است و واقعیت دیگر اینکه تقریباً پس از همه موارد حروف مقطعه، به گونه صریح و گاهی ضمنی به نزول وحی به عنوان قرآن یا کتاب مبین اشاره شده است.

از آنجا که حروف مقطعه تنها در آغاز سوره ها به کار رفته و هیچگاه در داخل سوره به کار نرفته تا نوعی بریدگی در سبک یا سجع یا متن را ایجاد کند، معلوم می گردد که آنها متعلق به نخستین مرحله تدوین توسط خود پیامبر بوده اند به جای آنکه مربوط به نخستین ابلاغ آیات قرآن یا آخرین جمع نهایی قرآن پس از رحلت آن حضرت باشند.

این نظریه که حروف مقطعه پس از رحلت پیامبر به قرآن اضافه شده باشند، مستلزم این پیش فرض است که درج بیاکنده این حروف در متن نهایی قرآن توسط

شخصی (پس از اتمام نزول قرآن) صورت گرفته باشند. چنین تبیین کلی مؤید این دیدگاه است که (حضرت) محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] مؤلف حروف مقطعه بوده و آنها را خود به آغاز سوره ها ضمیمه کرده و اینکه او از مدت ها قبل با همکاری کاتبان در صدد فراهم آوردن متن مقدس خود برآمده و آیت های را که از محتوایی یکسان بسر خوردار بوده اند در سوره هایی خاص قرار داده است، برخی از این گونه آیات، آنهایی بوده اند که به عنوان واحد دینی یا دعایی مطرح شده و نشانه آنها همراهی بنا کاربرد حروف مقطعه بوده و تدوین کنندگان نهایی قرآن خود را ملزم به رعایت آن یافته اند.

پدیده دیگری که از عوامل مهم تاریخ گذاری به شمار می آید، موضوع پیدایش احکام محسوری دینی مانند نمازهای یومیه است که توسط پیامبر تشریح گردید. تشریح نمازهای یومیه نمی تواند (به لحاظ تاریخی) به نخستین مرحله ابلاغ قرآن بوسیله پیامبر متعلق باشد چرا که در آن زمان ریشه "صلی" در اشاره به عمل ذبح حیوانات از سوی قبایل به کار می رفته است (سوره کوثر آیه ۲) و در ارتباط با عبادات مشرکان مکه (سوره ماعون آیات ۴ تا ۷). در این مرحله، تلاوت قرآن هنوز در نمازها بکار نمی رفته بلکه به کار ترکیب بندی آیات قرآن توسط پیامبر مربوط می شود (سوره مزمل آیات اول تا سوم)، مدتی بعد در حدود اواسط ابلاغ قرآن در دوران مکه [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، تهجد و شب زنده داری را آغاز نمود در حالی که پیش از شروع نماز آیت های از قرآن را نیز تلاوت می کرد (سوره اسراء آیات ۷۸ و ۷۹، سوره فرقان آیه ۶۴ و سوره ذاریات آیات ۱۷ تا ۱۸) و این کار را هم در روز و هم در شب انجام می داد (سوره انسان آیه ۲۵ تا ۲۶ و سوره طور آیات ۴۸ تا ۴۹).

ابتدا، حضرت محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] آنها مأمور به اقامه نماز شد (سوره اسراء آیه ۱۱۰ و سوره طه آیه ۱۳۰) سپس بر اساس آیه ۱۳۲ سوره طه آشکارا دعوت می شود که اقوام یا پیروانش (اهلک) را به اقامه نماز همراه خودش فرمان دهد و این که با کسانی که خدا را صبح و شام می خوانند استقامت بخرج دهد (سوره کهف آیه ۲۸) یا آنکه در نماز شب به سجده و کرنش مشغول شوند (سوره زمر آیه ۹) در خلال این

مرحله، پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین به نمونه‌های برجسته قرآنی نماز ابراهیم، موسی و زکریا توجه نموده و به عیسی بنده خدا به عنوان پیامبری که مأمور به اقامه صلوة شده، اشاره می‌کند و شاید در حدود اواخر دوران مکه (از ابلاغ قرآن) بوده که محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] به تنهایی درباره مأمور می‌گردد که نماز را در سه وعده مختلف یعنی صبح، غروب و نیز در خلال شب بپا دارد.

به پیروان او هم توصیه می‌گردد که در این عمل سه او تأسی نمایند که شامل تلاوت قرآن و سجده در نماز نیز بوده است (سوره اعراف آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶). تکامل نمازهای یومیه می‌تواند به مجموعه واژگان قرآنی متنوع و دارای نوسان برگردد که در اواخر مکه و اوایل مدینه برای اوقات نماز بکار می‌رفته است: در صبح: در هنگام فجر و پیش از طلوع آفتاب، در عصر (هنگام زوال روز و پیش از غروب خورشید) و در هنگام شب (رفاً من اللیل) پس از هجرت، تاریخ گذاری قرآن انبیا می‌کند که "صلوة" به صورت حکمی متفقین برای مسلمانان در اقامه نمازهای انفرادی و جماعت در می‌آید. به موضوع "نماز" (که نوعاً به شکل مفرد) بصورت مکرر در سوره مدنی اشاراتی شده است) ۳۳ بار در سوره‌های بقره، نساء، مائده، توبه و ۲۴ بار به تنهایی، این اشارات ارائه دهنده نیمی از مجموع کاربردهای این واژه در کل قرآن می‌باشد) و هم اکنون بطور مکرر آن را در کنار حکم همتایش یعنی "زکات" می‌یابیم که تحول آن می‌تواند به عمل پرداخت خیرات تسریع گرفته تا تکلیف اجتماعی آن یعنی صدقات واجبه برگردد. اشاره مکرر به تکلیف شرعی انجام نماز با حکم مؤکد رعایت جهت قبله در هنگام نماز توأم گردیده است. ابتدا فریضه نماز به سمت بیت المقدس همچون مراسم قبله‌ای یهودیان و مسیحیان انجام می‌گرفته ولی سپس با یک دستور قرآنی (آیات ۱۴۲ تا ۱۵۲ سوره بقره) جهت قبله به سمت کعبه تغییر یافته است.

این آیات خاص اوایل مدینه از طریق پیامبر در حدود زمان جنگ بدر در سال دوم هجری قمری (۶۲۴ میلادی) ابلاغ گردید گرچه این آیات در واقع یک فرایند تدریجی از تغییر در تشریح نماز و تثبیت قبله را نشان می‌دهند. بعلاوه در مدینه اوقات مخصوص نماز آن گونه که هم اکنون به صورت روزمره بسجا آورده

می‌شود تعیین گردید و حکم آن به صورت جمع، چنین تعبیر شد: "اقیموا الصلاة" یعنی نماز را راست برپا دارید (مقایسه کنید با آیه ۱۰۲ سوره نساء) و شامل تلاوت قرآن نیز گردید (سوره اعراف آیات ۲۰۴ و ۲۰۵).

سرانجام آیه مدنی ۲۳۸ سوره بقره قاطعانه حکم نماز نیمروز (الصلاة الوسطی) را تثبیت می‌کند که احتمالاً قبلاً در اواخر زندگی پیامبر در مکه تشریح شده بود هنگامی که پیروانش را به تسبیح پروردگار در صبح و عصر و وسط روز (بحین نظهرون، سوره ص آیات ۱۷ و ۱۸) فراخواند. از این هنگام بود که نماز بر مؤمنان در اوقاتی ثابت (کتاباً مقوسوتاً) و اقامه نماز هفتگی جمعه در روزی که روز تجارت مدینه محسوب می‌شد (یوم الجمعة) فرض گردید. مؤمنان به اقامه نماز فراخوانده شدند (سوره مائده آیه ۵۸ و سوره جمعه آیه ۹) و حکم طهارت قبل از نماز (وضو یا غسل) و در صورت فقدان آب یا در حال سفر بودن، حکم تیمم با خاک (سوره نساء آیه ۴۳ و سوره مائده آیه ۶) تشریح شد.

تعیین تاریخ مراحل کار بسرد نام خاص پروردگار در قرآن که اساساً بر "الله" و "رب" و "رحمان" تکیه دارد، دشوارتر می‌باشد، البته سرانجام نام "الله" را به عنوان نام خاص قطعی و برگزیده شده اسلام در طول قرون تثبیت می‌کند.

در ضمن آنچه که سنت اسلامی به عنوان نخستین آیات وحی قرآنی تعیین می‌کند، پیامبر مأمور می‌شود که به نام پروردگار (ربک) سخن بگوید. واژه "رب" در کاربرد غیر مادی خود هرگز در قرآن با حصر تعریف بکار نرفته بلکه در عوض بسا یک ضمیر شخصی استعمال شده که کاربرد آن برای اهالی مکه از دوران پیش از اسلام آشنا بوده است. این واژه با تعبیر پروردگار این خانه (رب هذا البیت) یعنی خانه کعبه در مکه ذکر گردیده است (سوره قمر آیه ۳) و در دوران نخست مکه بسیار زیاد استعمال شده است مانند "سبح اسم ربک الأعلى" ولی در دوره دوم و سوم مکه کمتر دیده می‌شود مانند سخن کفرآمیز فرعون: "اناریکم الأعلى" و در آیات مدنی بسندرت بکار رفته است. برعکس، واژه "الله" برای اهالی مکه بعنوان اسم خاص خداوند پیش از [حضرت] محمداً [صلی الله علیه و آله و سلم] شناخته شده بود و آن را در اشعار و اسامی اشخاص بکار می‌بردند. به احتمال بسیار زیاد

این واژه مخفف "الاله" است که هرگز با الف و لام در قرآن بکار نرفته گرچه بصورت مصنف استعمال گردیده است تا دلالت بر معبود مردم داشته باشد مانند "إله الناس" که مترادف با "رب الناس" می باشد. واژه "الله" در دوران نخستین مکه خیلی کم بکار رفته ولی در دوران دوم و سوم مکه استعمال آن زیاد شده و سرانجام به قدری رایج گردیده که بنظر می رسد بطور متوسط در هر پنج آیه از سوره مدنی بکار رفته است. واژه "الرحمن" احتمالاً از کاربرد آن در قسمت های جنوبی و مرکزی عربستان گرفته شده و در زمره مجموعه واژگان قرآنی بنحو مؤکد و مخصوص "خدا" در دوره دوم مکه راه یافته است و سپس بطور کامل جایگزین مفهوم "الله" شده گرچه در تعبیر کلی آغازین هر سوره یعنی "بسم الله الرحمن الرحيم" (که فقط در آغاز سوره توبه استعمال نشده) نسبت به واژه "الله" جنبه فرعی [وصفی] پیدا کرده است.

مرحله مهم انتقال بسمه حسوزه کثیر الاستعمال واژه "الله" را می توان قبیل از دوران موسی ردیابی نمود، موقعی که خداوند یگانگی خود را اعلام نموده "أنا ربکم" (سوره ۲۰ آیه ۲۴) که بلافاصله نام "الله" بنا حصر ف تاکید "أنا" پس از آن به کار رفته است: "أنا الله" (سوره طه آیه ۱۴) در آیه ای که متعلق بسمه دوران دوم مکه می باشد. این آیه بسمه لحاظ تاریخ گذاری متأخرتر از آیه ای است که فرعون سخن کفرآمیز خود را گفت: "أنا ربکم الأعلى" (سوره نازعات آیه ۲۴) پس از آیه دوازدهم سوره طه کاربرد "رب" به نحو قابل توجهی کاهش می یابد در حالیکه تعبیری چون "لااله الا أنا" در آیات اواخر مکه



پذیرش آنچه که در شماری از گزارشات اولیه مطرح شده، بعید به نظر می رسد مبنی بر اینکه نخستین جمع قرآن در طی دوران کوتاه خلیفه نخست (ابوبکر) با تحریک عمر صورت پذیرفته باشد.

(مانند آیه دوم سوره نحل و آیه ۱۴ سوره طه آیه ۲۵ سوره انبیاء) و "لا اله الا هو" در آیات ۷۰ و ۸۱ سوره قصص و بطور فراوان در آیات مدنی (سوره بقره آیه ۱۶۳ و ۲۵۵، سوره آل عمران آیه ۶ و ۱۸) بکار رفته است. از آنجا که واژه "رب" در مورد انواع الهه عربستان ماقبل اسلام بکار می رفته کاربرد آن برای "الله" که در پیام [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] بار توحیدی کامل داشته از مناسبت کمتری برخوردار بوده است. علت اینکه واژه "الله" در سوره های اوایل مکه کاربرد اندکی داشته، شاید این باشد که پیامبر از اطلاق نامی که برای خدا (بسمه عنوان اسم خاص) مشترک با کاربرد تعبیر مشترکان باشد اکراه داشته است. زیرا عرب های پیش از اسلام سوگندهای شدیدی بسمه نام "الله" می خوردند و "الله" را بسمه عنوان آفریدگار و پدیدآورنده اصلی می پرستیدند از نسوی دیگر بنا خدای مورد ادعای حنیان قربان و شهابت داشته است و نیز با خدایان فرعی مانند عزی، منات و لات که آنها را دختران خدا می دانستند و نمونه های مشابه گمنام دیگری را پسران او می پنداشتند رابطه داشته است ("خرقوا له بنین و بنات" سوره انعام آیه ۱۰۰) بنا توجه به این که میزان تعبیر قرآنی بکار رفته در مورد خدا که امارش بسمه هزاران مورد می رسد، بسیار زیاد است لذا ایجاد خط یا قوسی دقیق برای تعیین تاریخ نزول آنها بسیار دشوار است. بنا وجود این، دلیل درونی متقنی که قرآن در این باره ارائه نموده این است که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] از

یک تجربه شخصی شدید راجع به خدایی که به او به عنوان پروردگار من "ربی" خطاب می‌کرد به برداشت دیگری به عنوان یگانه خدا که در پیام او بصورت "لا اله الا الله" مطرح شده و صفات و القاب متعددی نیز در قرآن برای او اطلاق گردید، منتقل شده است.

شخصیت ابراهیم نیز که تاریخ او به صورت مفصل در بیست و پنج سوره قرآن مطرح شده، معیار مهمی را برای تاریخگذاری درون قرآنی فراهم می‌آورد. در دوران نخست مکه از صحف ابراهیم به عنوان متون مقدس از پیش نازل شده و از خود ابراهیم به عنوان پیامبری برجسته در کنار موسی نام برده شده است (آیات ۱۸ و ۱۹ از سوره اعلی). در دوران دوم و سوم مکه، ابراهیم به صورت "پیامبری که سخن راست می‌گوید" (صدیقاً نبأ) سوره مریم آیه (۴۱) و به صورت مفصل‌تری به عنوان "موحّد ثابت قدمی که به بت پرستی پدر و قومش حمله ور می‌گردد" معرفی شده است (سوره صافات آیات ۸۳ تا ۹۸، سوره شعراء آیات ۶۹ تا ۸۹، سوره مریم آیات ۴۱ تا ۵۰، سوره زخرف آیات ۲۶ تا ۲۸، سوره انبیاء آیات ۵۱ تا ۷۳، سوره عنکبوت آیات ۱۶ تا ۲۷، سوره انعام آیات ۷۴ تا ۸۴ و نیز بنگرید به مدخل "بت پرستی و بت پرستان، و مدخل "شُرک و الحساد"). در کنار تفصیل متعدد دیگری (همچون رهائی ابراهیم از آتش و شفاعت او برای پدر بت پرستش) همان دوران‌ها همچنین از مردانی یاد می‌کند که با ابراهیم دیدار کرده و خیر کفر حتمی قوم لوط را اعلام نمودند (سوره ذاریات آیات ۲۴ تا ۳۴، سوره حجر آیات ۵۱ تا ۶۰، سوره هود آیات ۶۹ تا ۷۶ و سوره عنکبوت آیات ۳۱ و ۳۲). آنها

همچنین اشاره دارند به اقدام قریب الوقوع ابراهیم نسبت به ذبح فرزندش که از آیات ۱۰۰ تا ۱۱۱ سوره صافات و بر اساس آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ سوره صافات و به صورت غیر مستقیم از آیه ۲۸ سوره ذاریات و آیه ۵۳ سوره حجر فهمیده می‌شود که اسحاق بوده است.

در سور مدنی آمده است که ابراهیم با کمک اسماعیل کعبه را در مکه به عنوان جایگاه اعتقاد خالص توحیدی و مرکز زیارت بنا می‌کند (آیات ۱۲۴ تا

۱۲۱ سوره بقره، ۶۵ تا ۶۸ سوره آل عمران، ۹۵ تا ۹۷ همان سوره، آیات ۲۶ تا ۲۹ و آیه ۷۸ سوره حج). از آنجا که ابراهیم بصورتی مؤکد، موحّد حقیقی (حنیف) خوانده شده که هیچ گونه وابستگی به بت پرستان نداشته (سوره بقره آیه ۱۲۵، سوره آل عمران آیه ۶۷، سوره نساء آیه ۱۲۵، سوره حج آیات ۳۱ و ۷۸) و یک بار به عنوان دوست خدا (خلیل: سوره نساء آیه ۱۲۵) ذکر شده لذا الگوی نخستین برای [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] که دین را دین ابراهیمی (ملة ابراهیم) اعلام کرده، معین می‌گردد.

ویژگی‌های مهم شخصیت [حضرت] ابراهیم در قصه قرآنی، موضوع بسیاری از پژوهش‌های عالمانه شده است مانند این آثار: (Me Kkaansche feest) تألیف استوک هورگرینه، (محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] و یهود) تألیف آی. جی. ونسینگ، (ابراهیم) تألیف یوسف مبارک، و آخرین تحقیق (مساخرتها) تألیف رونالد فایرسون. این پژوهش گران تأکید زیادی بر تفسیر مجدد ابراهیم در سور مدنی که در آنها قطع رابطه [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] با قبایل یهود مدینه اعلام شده، نموده‌اند.

توجه دوباره [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] صلی الله علیه و آله و سلم به مکه که از طریق تغییر جهت قبله از بیت المقدس به کعبه حاصل شد و قعه یا حلال مهمی در تفسیر ابراهیم و در مفاد پیام قرآنی به لحاظ تاریخ گذاری ایجاد می‌نماید.

آنچه که به خصوص در مورد تاریخ گذاری آیات مکی می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد به عنوان حقیقتی فسطعی در کتاب Die Gestalt des Abraham) تألیف آی بیگ" مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس نظر آقای "بک"، ابراهیم از قبل در آیات مکی پیش از مسأله همکاری او با اسماعیل، در ارتباط با مکه شناخته شده بود و [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] برداشت خود از تعبیر "ملة ابراهیم"

صحت و اصالت چنین نقل‌ها و گزارشاتی که جمع قرآن را به دوران خلافت عمر و ابوبکر نسبت داده‌اند مورد تردید و مخالفت قرار گرفته است زیرا آنها دو نفر از کشته شدگان جنگ یمامه جزو قاریان حافظ قرآن بودند و هدف چنین گزارشاتی این بوده که نقش گسترده عثمان در فراهم آوردن نص رسمی را عمداً نادیده گرفته و نیز نقش پیامبر در ایجاد متن و کار نگارش قرآن در زمان حیات آن حضرت را کم اهمیت جلوه دهند.

و لا اقل قبلاً در مکه پیش از قطع رابطه‌اش با یهودیان مدینه، به وجود آورده بود. در این دیدگاه، برخی از اظهارات آقای "جی. لولینگ" درباره دین ابراهیمی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] (که ابعاد جنجال برانگیز و تند آن در کتاب "Wiederentdeckung" پیراسته گردیده) بررسی اساسی تری را در مورد این مسئله می‌طلبد که آیا [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] شناخت مستقل و روشنی از گرایش‌های مربوط به یونان باستان و یهودی - مسیحی داشته است که موجب تمایل او به سنت ابراهیمی عرب پیش از اسلام شده باشد و در نتیجه قرابت زیادتری را نسبت به سنت ابراهیمی باعث شده و موجبات طرد الگوی عبادت یهودی - مسیحی را فراهم ساخته باشد!

این چهار نمونه از رویکردهای مفصل نسبت به تاریخ گذاری درون قرآنی که مبتنی و متمرکز بر موضوعاتی محوری می‌باشند یعنی پدیده ادبی حروف مقطعه، تشریح نمازهای یومیه، طرح نام خاص خداوند در قرآن، و نقل شخصیت پیامبرانه [حضرت] ابراهیم و دین او می‌تواند راههایی را بسرای تکمیل و ویکرد معیاری تاریخ گذاری مبتنی بر شیوه چهار طبقه‌ای که "نئودورنولد" مدعی آن بود یا فرضیه سه مرحله‌ای که "بیل" دفاع نمود، بگشاید. معیارهای چنین رویکردهای درون قرآنی، مورد به مورد و محدود به میزان قابل توجهی از بررسی آیات، می‌تواند نسبت به فراهم آوردن چارچوبی معین و حدسی برای مسأله تاریخ گذاری کل قرآن کمک نماید.

تدوین قرآن

همان گونه که قبلاً ذکر شد، این واقعیتی مشهور است که در قرآن بدون یعنی آنچه که سرانجام به عنوان کتاب مقدس اسلام فراهم آمد، سوره‌ها نوعاً بر حسب کاهش طول تنظیم یافتند.

این ترتیب، در جمع نهایی متن مکتوب قرآن که سال‌ها پس از رحلت پیامبر در سال یازدهم هجری یا ۶۳۲ میلادی به تدوین رسمی خود نایل

آمد، صورت پذیرفت. این فرایند تدوین نهایی و جمع رسمی نمایانگر تاریخ متن قرآن از آخرین ابلاغ قرآنی [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] است که بطور خلاصه [می‌توان گفت] از پیش از رحلت او آغاز شده و تا زمان پیدایش نص مصوت [دارای اعراب] قرآن در قرن چهارم طول کشیده است. این تاریخ متن [مقدس]، قرآن را از دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به دوران حیات امت اسلامی و از مؤلف اصلی تاریخی پیام‌های قسرانی بسه تدوین کنندگان اصلی انتقال می‌دهد یعنی آن کسانی که قرآن کنونی موجود در دست ما را به صورت نسخه‌ای مکتوب و نهایی پدید آوردند.

بخاطر همین ماهیت است که تاریخ این فرایند بسمتزه میدان مینی است معلوم از دشواری‌های تاریخ گذاری که بطور عمیق ریشه در ادله و شواهد بسیار پیچیده و متناقض در سنت اسلامی بویژه در حدیث دارد.

پس از رحلت پیامبر، امت اسلامی با سه وظیفه مهم در ارتباط با پدید آوردن قرآن به صورت متن مقدس رسمی روبرو گردید:

۱. لازم بود متن را از منابع شفاهی و مکتوب گردآوری کند.
۲. ساختار متن غربی بدون اعراب را پدیدار سازد.
۳. آن را به صورت متنی کاملاً مصوت [قابل قرائت] درآورد که به تدریج به عنوان معیار رسمی مورد پذیرش همگان قرار گیرد.

دیدگاه سنتی، تکمیل و به ثمر رسیدن این اهداف سه گانه را در ظرف سه قرن دانسته و تاریخ متن قرآن را وارد یک چارچوب اساسی کرده

(یعنی آن اعتراضات مهمی که در جلد دوم و سوم تاریخ قرآن بازنگری شده نولد که مورد بررسی قرار گرفته‌اند). این چارچوب مبتنی بر چند فرض است: اینکه پیامبر، متن مکتوبی از قسران ارائه نداد و اینکه قرآن عمدتاً به صورت شفاهی در اذهان ششمار فاسل توجهی از شنوندگان مستقیم پیامبر و نیز بر اساس حجم محدودی از متن

وانس برو با موضع گیری مخالفی به این نتیجه نایل آمد که قرآن تادویست یا سیصدسال پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تدوین نشده بود ولی "جان برتون" معتقد شد که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] خودش جمع نهایی متن غیر مصوت قرآن را پدید آورد.

نگارش یافته توسط کاتبان در طی دوران زندگی آن حضرت ثبت گردید.

گروهی از صحابه به رهبری زید بن ثابت که خود پیامبر او را به عنوان کاتب وحی در مدینه گماشت، به گردآوری و تنظیم مطالب قرآنی مکتوب و شفاهی در قالب متنی کامل و غیر مصوت در خلال نیمه دوم زمان خلافت عثمان پرداختند. متن نهایی کاملاً مصوت قرآن در نیمه اول قرن چهارم یا دهم پس از مطرح شدن انواع قرائات مختلفه (هفت یا ده یا چهارده نوع قرائت) که اختلافات کمتری را در نحوه قرائت نشان می دادند و بتدریج قابل تحمل و پذیرش همگانی قرار گرفتند، تدوین و فراهم آمد. البته علاوه بر این قرائات مختلفه پذیرفته شده، هزاران اختلاف قرائات نیز درباره متن قرآن در منابع اسلامی اعم از تفاسیر قرآن و روایی ثبت گردیدند که بسیاری از آنها را می توان در نسخه های خطی کامل و ناقص قرآنی موجود در کتابخانه های سراسر جهان مشاهده نمود. (بنگرید به "مصحف قرآن").

پذیرش آنچه که در شماری از گزارشات اولیه مطرح شده، بعید به نظر می رسد مبنی بر اینکه نخستین جمع قرآن در طی دوران کوتاه خلیفه نخست (ابوبکر) با تحریک عمر صورت پذیرفته باشد. گفته شده که عمر نسبت به اصالت نقل متن قرآنی در اثر کشته شدن رزمندگان اسلام در جنگ بیامه احساس خطر کرده بود چرا که تعداد قابل توجهی از آنان حافظ قرآن بودند. بر اساس این حکایت، ابوبکر پس از اندکی درنگ و تأمل به خاطر ترس از تعدی نمودن از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله، سرانجام به زید بن ثابت دستور داد که همه پاره های قرآنی که روی برگه های درخت خرم یا لوح های سفالین یا سنگهای مسطح نوشته شده بودند و یا در اذهان افراد موجود بودند را روی صحیفه هایی یکسان بنگارد. این صحیفه های مکتوب در طی خلافت عمر در اختیار او قرار گرفت و پس از فوت عمر به دخترش حفصه که از همسران پیامبر بود، به ارث رسید. یک گزارش نیز پیدایش نخستین مصحف مدون قرآن را به عمر نسبت می دهد در حالی که گزارش دیگر، این ادعا را رد می کند با این استدلال که عمر چندان عمری نکرد که بتواند چنین متنی را بیسند، صحیحست و اصالت چنین نقیسل ها و

گزارشاتی که جمع قرآن را به دوران خلافت عمر و ابوبکر نسبت داده اند مورد تردید و مخالفت قرار گرفته است زیرا تنها دو نفر از کشته شدگان جنگ بیامه جزو قاریان حافظ قرآن بودند و هدف چنین گزارشاتی این بوده که نقش گسترده عثمان در فراهم آوردن نص رسمی را عمداً نادیده گرفته و نیز نقش پیامبر در ایجاد متن و کار نگارش قرآن در زمان حیات آن حضرت را کم اهمیت جلوه دهند.

قابل قبول ترین گزارش روایی تاریخ قرآن، تدوین نهایی متن غیر مصوت را مربوط بسه زمان خلافت عثمان یعنی تقریباً بیست سال پس از رحلت پیامبر می داند. بر اساس این گزارش، سبب و مناسبت جمع نهایی قرآن، لشکر کشی به اذربایجان و ارمنستان به فرمان دهی حدیفه بوده که ظاهراً سربازان مسلمان او از شام و عراق در مورد نحوه قرائت صحیح آیات قرآن در نمازهای جماعت دچار اختلاف و درگیری شدند. عثمان به منظور حل این مشکل، هیأتی را متشکل از چهار نفر از برجستگان مکه بنا نظارت زید بن ثابت مأمور کرد که نسخه هایی از روی مصحف شخصی حفصه استنساخ کنند و هر جا که بنا اختلاف قرائت مواحه شدند فقط لهجه قریش را بزرگزینند. هنگامیکه این مأموریت به اتمام رسید، عثمان یک نسخه را در مدینه نگاه داشت و بقیه را به کوفه و بصره و دمشق فرستاد. و سپس دستور داد که تمام نسخه های موجود دیگر (سایر مصاحف) نابود گردد. البته فرمان او از سوی این مسعود و بیروانش در کوفه سرپیچی شد. مشکلات چنین گزارشی در چند نکته اساسی خلاصه می گردد: نزدیک وجود دارد که صرفاً مسأله صحیح قرائت قرآن در خلال فتوحات اولیه اسلام موجب ناآرامی مهمی شده باشد. دیدگاه قابل قبول این است که قرآن به حسب واقع مختص به لهجه قریش نیست و دیگر اینکه بعید به نظر می رسد که خلیفه فرمان از بین بردن تمام مصاحف قرآنی از پیش موجود را صادر کرده باشد. بعلاوه، مطرح نمودن نام حفصه در این حکایت احتمالاً بخاطر این بوده که فقط نقش ایساری را برای ایجاد پیوند و اتصال بین نسخه های عمر و ابوبکر و عثمان بازی کند و سلسله متصلی از حلقه متن معتبری را فراهم آورد که بطور گسترده ای مورد بی توجهی و غفلت امت قرار گرفته است. برغم وجود

چنین اشکالاتی در این گزارش مربوط به تاریخ گذاری جمع قرآن، اکثر پژوهش گران پذیرفته اند که متن رسمی غیر مصوت قرآن دو زمان خلافت عثمان پیدایش یافت و اینکه زید بن ثابت نقش مهمی در اجرای آن ایفا نمود. بسنه منظور دریافت تصویری روشن تر از تدوین متن غیر مصوت رسمی قرآن، باید امکان عواملی چند را در نظر گرفت از جمله آنها عبارتند از:

۱. این که خود پیامبر، کار پدید آوردن نسخه مکتوبی از قرآن را بی آنکه آن را تکمیل سازد، آغاز نموده بود.
۲. این که در خلال دو دهه اول پس از رحلت پیامبر، جامعه اسلامی بر محور کشورگشائی و فتوحات متمرکز بود بجای آنکه به تعیین نصی رسمی از قرآن بپردازد.

۳. این که ضرورت یا نیاز به نص معتبر قرآن، پس از آنکه جوامع محلی مسلمان در شهرهای پشتیبانی (انصار) مانند کوفه، بصره و دمشق تازه تشکیل می یافتند، خود را نمایان ساخت.

۴. این که مصحف عثمانی که به ریاست زید بن ثابت در مدینه پدید آمد، بایستی آن را بسا پدیده مشابه مصاحف دیگری ملاحظه نمود که دارای اختلافات متنی هستند و گفته شده که همه آن مصاحف در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله پدید آمدند. مصحف مسوت به عبدالله بن مسعود (پذیرفته شده در کوفه)، مصحف منسوب به اسی بن کعب (پذیرفته شده در شام) مصحف منسوب به ابوموسی اشعری (پذیرفته شده در بصره) و نیز سایر مصاحف اولیه اشخاص همچون در منابع اولیه نقل شده که علی بن اسی طالب (پسر عمرو داماد پیامبر) نخستین کسی بوده که به جمع قرآن پس از رحلت پیامبر اقدام نموده است. بنابر برخی گزارشات، او سوره ها را بر اساس تاریخ نزولشان تنظیم نموده و هنگامی که مصحف عثمانی انتشار رسمی یافت او [علی علیه السلام] اجازه داد که مصحفش سوزانده شود.

هنگامی که ایجاد متن غیر مصوتی از قرآن (مصحف عثمانی) با مسئله وجود مصاحف دیگر شخصی یا مرکزی آمیخته شده بود، انتشار رسمی متن کاملاً مصوت یا مشکل قرائت مختلفه قرآن درگیری داشت از آنجا که مصحف عثمانی بصورت رسم الخط ناقص

نوشته شده بود یعنی فقط متشکل از کلمات و عاری از حرکات و علائم تمکیک دهنده بین حروف بی صدا بود از این رو تلاوت نیازمند تعیین تلفظ صحیح آیات گردید. در حالی که املائی صحیح قرآن در طول پیش از دو قرن بتدریج بهبود یافت و ارتباط و پیوستگی بین متن غیر مصوت و مسئله تلاوت معین گردید، اشکالات و نواقص رسم الخط عربی نیز به تدریج روشن شد. اختلاف قرائت در حد گسترده ای حائمه یافت یا آن که منسجم گردید و متن مکتوب بصورت فزاینده (روز افزون) از وابستگی به تلفظ و قرائت شفاهی استقلال یافت. این فرایند بسا پیدایش رسم الخط کامل قرآن (دارای اعراب و نشانه) به اوج و کمال خود رسید.

این متن را می توان متنی قابل قبول و بدون اختلاف بشمار آورد بسا این قنید که تا آن زمان هیچ نمونه متن معین و روشنی برای قرآن که از مقبولیت همگانی برخوردار باشند پدید نیامده بود. و در عوض، متن نهایی و کاملاً مصوت قرآن که بعنوان متنی معیار و رسمی شناخته شد را می توان حاصل دستاورد کار ابوبکر بن مجاهد (م. ۳۲۴ هـ) دانست. بخاطر اینکه تلاوت قرآن را بر اساس حدیث معروف "أحرف سبعة" منحصر در هفت قرائت نمود. او قرائت هفت تن از عالمان برجسته قرآنی در قرن دوم یا هشتم را پذیرفت و اعلام نمود که همه آنها واجد اعتبار و حجیت الهی هستند. در سال ۳۲۲ هـ. ق یا ۹۳۴ میلادی، نسخه ای که عباسیان رسماً انتشار دادند این نظریه را اعلام نمودند که تنها همین هفت قرائت، شکل های اصلی قرائت قرآن هستند و سایر قرائت، ممنوع می باشند. با وجود این، سه قرائت پس از هفت شیوه و چهار قرائت پس از ده شیوه مدنی بعد افزوده شد و سرتیب، ده یا چهارده قرائت مطرح گردید. سرانجام هر یک از ده وجه قرائت به دو طریق که اندکی با هم تفاوت داشتند مورد پذیرش قرار گرفت و همه این قرائتات بلحاظ نظری، مربوط به طیف متن دریافت شده بدون اختلاف شناخته شدند. بسنه خاطر همه اهداف و مقاصد، امروزه در مقام عمل تنها دو نوع قرائت به طور کلی کاربرد یافته است؛ یکی قرائت حفص (م. ۱۹۰ هـ ق) از طریق عاصم (م. ۱۲۷) که واحد تأیید رسمی گردید هنگامی که قرآن استاندارد مصر در سال ۱۹۲۴

به چاپ رسید این نوع قرائت را برگزیدند و قرائت دیگر عبارات بود از قرائت ورش (م. ۱۹۷) از طریق نافع (م. ۱۶۹) که در شمال آفریقا جز مصر، مورد پیروی قرار گرفت.

ماهیت مفروض استدلالات عالمانه درباره قرائات مربوط به متن مصاحف مختلف سرانجام آن عالمان را به این معنا سوق داد که بنا به نهایت دقت، آن قرائات را مورد ارزیابی قرار داده و داوری حساب شده‌ای راجع به صحت آنها ارائه دهند. (مانند برگستراسر، پریزل، جفری و فیشر). اینکه بیشتر قرائات موجود پیش از مصحف عثمانی را بعنوان تلاش‌هایی از سوی لغت‌شناسان مسلمان در جهت تصحیح متن عثمانی بتوان تفسیر نمود بصورت دیدگاه رایجی بطور روز افزون پذیرفته شد. در نیمه دوم همین قرن دو تن از پژوهش‌گران به این نتیجه رسیدند که این "مصاحف" به حسب واقع جعلیاتی بوده که در تحقیقات صدر اسلام ایجاد کرده‌اند البته بدون آن که دلیلی جانبی و انکارناپذیر بسرای مدعیان خود ارائه دهند. "انس بسرو" بسا موضوع گیری مخالفی به این نتیجه نایل آمد که قرآن تا دوست یا سیصد سال پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تدوین نشده بود ولی "جان برتون" معتقد شد که [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] خودش جمع نهایی متن غیر مصوت قرآن را پدید آورد. چنین فرضیه‌های کاملاً متفاوت و نیز این واقعیت که هیچ متن یکسانی از قرآن وجود ندارد که نشان‌گر ویرایش نقادانه متن بر مبنای نسخه‌های دست‌نویس اصلی موجود بوده باشد و قرائات مختلف را مورد ارزیابی دقیق قرار داده باشد این معنا را اثبات می‌کند که بیشتر بازسازی‌های تاریخ‌گذاری تثبیت قرآن بعنوان متنی مکتوب به بن بست رسیده است.

تنها آینده داوری خواهد کرد که آیا یک تحسین‌لیلی رایانه‌ای راجع به حجم عظیمی از مطالب مربوط به متن قرآن قادر خواهد بود که پژوهشی عالمانه برای ایجاد تصویری ثابت‌تر در مورد تاریخ‌گذاری متن قرآن ارائه نماید یا خیر. البته ممکن است موفقیت چشمگیری در رابطه با تاریخ‌گذاری قرآن از طریق تحلیل منسجم‌تری از تاریخ‌گذاری موضوعات درون قرائتی نظیر چهار نمونه‌ای که در این بررسی ذکر گردیده بدست آید.

باورهای ما:

- ۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸
- ۲- Encyclopaedia of the Quran, Brill, Leiden Boston, ۲۰۰۲
- ۳- جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره این دائرة المعارف رک: فصلنامه علمی ترویجی قنسات، پاییز ۱۳۸۲، ش ۲۹، مقاله محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] - جواد اسکندرلو
- ۴- بنگرید به مدخل "کتاب مقدس و قرآن"
- ۵- بنگرید به مدخل "واژگان بیگانه"
- ۶- اگر چه به لحاظ سبک بین آیات قرآن و سخنان غیب‌گویان کاهن تشابه وجود دارد ولی نباید تفاوت‌های قرآن با کهنات را نادیده گرفت چرا که در کهنات، تکلف و گنگی و اباطیل بکار می‌رفت در حالی که در قرآن مجید هیچ یک از این عیب‌ها وجود ندارد. چنان که ولید بن مغیره که از ادیبان بلند پایه‌ی عرب به شمار می‌رفت پس از شنیدن سخنان قرآن چنین اذعان نمود: "یا عجبا لما یقول ابن ابي کثیره والله ما هو بشعر ولا بسحر ولا بهدی جنون وان قوله لمن کلام الله آنچه فرزند ابي کثیره می‌سراند، به خدا سوگند که شعر است و نه سحر است و نه گزافه‌گویی بی‌خردان، بی‌گمان گفته او سخن خداست (تفسیر طبری ج ۲۹، ص ۹۸، سیره‌ی ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۸، التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۱). بنابراین تشابه بین آیات قرآن و سخنان کاهنان به لحاظ وجود سجع و کوتاهی سجع و کاربرد سوگند، دلیل بر همسانی آن دو در ماهیت و محتوای اعتبار نیست.

۷- در دانش تاریخ‌گذاری قرآن از تاریخ نزول وحی‌های قرآنی نازل شده بر حضرت محمد [صلی الله علیه و آله و سلم] صلی الله علیه و آله بحث می‌شود. و این کار، فقط در خصوص قرآن کریم، امکان‌پذیر است زیرا سایر کتب آسمانی نزول دفعی داشته‌اند ولی قرآن بر اساس مقتضیات و نیازهایی نازل می‌شد که به صورت تدریجی در دوران محفل زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدید می‌آمد (رک: سیوطی، الاقان، ج ۱، ص ۹۲) تاریخ‌گذاری قرآن گرچه امر بسیار دشواری است ولی بر اساس روایات معتبر و نیز محتویات و مطالب خود قرآن می‌توان به تعیین تاریخ نسبتاً دقیق نزول آیات و سوره‌ها پرداخت.

- ۸- ج ۸۰ = نساء، ۸۱ = نازعات، ۸۲ = انفطار، ۸۳ = انشقاق، ۸۴ = روم، ۸۵ = عنکبوت، ۸۶ = مطفین، ۸۷ = بقره، ۸۸ = انفال، ۸۹ = آل عمران، ۹۰ = احزاب، ۹۱ = ممتحنه، ۹۲ = نساء، ۹۳ = زلزال، ۹۴ = حدید، ۹۵ = محمد [صلی الله علیه و آله و سلم]، ۹۶ = رعد، ۹۷ = رحمن، ۹۸ = انسان، ۹۹ = طلاق، ۱۰۰ = بقره، ۱۰۱ = حشر، ۱۰۲ = نصر، ۱۰۳ = نور، ۱۰۴ = حج، ۱۰۵ = منافقون، ۱۰۶ = مجادله، ۱۰۷ = حجرات، ۱۰۸ = تحریم، ۱۰۹ = جمعه، ۱۱۰ = تغابن، ۱۱۱ = صف، ۱۱۲ = فتح، ۱۱۳ = مائده، ۱۱۴ = توبه. (بنگرید به: التمهید، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۵)

ترتیب تاریخ‌گذاری روای مصتوب به ابن عباس بدین قرار است:

۱ = علق، ۲ = قلم، ۳ = مرمل، ۴ = مدثر، ۵ = فاتحه، ۶ = مستد، ۷ = تکویر، ۸ = اعلی، ۹ = لیل، ۱۰ = فجر، ۱۱ = صحر، ۱۲ = شرح، ۱۳ = عصر، ۱۴ = عادیات، ۱۵ = کوشن، ۱۶ = تکاثر، ۱۷ = ماعون، ۱۸ = کافرون، ۱۹ = فیل، ۲۰ = فلق، ۲۱ = ناس، ۲۲ = توحید، ۲۳ = نجم، ۲۴ = عبس، ۲۵ = قدر، ۲۶ = شمس، ۲۷ = بروج، ۲۸ = تین، ۲۹ = فرش، ۳۰ = قارعه، ۳۱ = قیامه، ۳۲ = همزه، ۳۳ = مرسلات، ۳۴ = ق، ۳۵ =

بلد، ۳۶ = طارق، ۳۷ = قمر، ۳۸ = ص، ۳۹ = اعراف، ۴۰ = جن، ۴۱ = یس، ۴۲ = فرقان، ۴۳ = فاطر، ۴۴ = مریم، ۴۵ = طه، ۴۶ = واقعه، ۴۷ = شعراء، ۴۸ = نمل، ۴۹ = قصص، ۵۰ = اسراء، ۵۱ = یونس، ۵۲ = هود، ۵۳ = یوسف، ۵۴ = حجر، ۵۵ = انعام، ۵۶ = صافات، ۵۷ = لقمان، ۵۸ = سبأ، ۵۹ = زمر، ۶۰ = غافر، ۶۱ = فصلت، ۶۲ = شوری، ۶۳ = زمر، ۶۴ = دخان، ۶۵ = حائیه، ۶۶ = احقاف، ۶۷ = ذاریات، ۶۸ = غاشیه، ۶۹ = کهف، ۷۰ = نمل، ۷۱ = نوح، ۷۲ = ابراهیم، ۷۳ = انبیاء، ۷۴ = مؤمنون، ۷۵ = سجده، ۷۶ = طور، ۷۷ = ملک، ۷۸ = حافه، ۷۹ = معارج

۹- گوستاو ویل (GUSTAV WELL) (۱۸۰۸ - ۱۸۸۹) خاورشناسان آلمانی آثار متعددی از خود به یادگار گذاشت که مهم ترین آنها کتاب «مقدمه‌های تاریخی - انتقادی بر قرآن» (Historisch - Kritische Einleitung in der Koran) در سال ۱۸۴۴ است. وی در این کتاب، پیرامون جمع قرآن و نظم تاریخی سوره‌ها و آیات قرآن سخن گفته است. او تاریخ گذاری سوره‌ها را بر اساس سه معیار ارائه نمود: یک - اشتباه رخدادهای تاریخی که از طریق منابع دیگر شناخته شده است.

دو - مضامین وحی یا محتوای آیه‌ای که بیانگر شرایط و وظائف گوناگون پیامبر است.
سه - سنک و سیاق ساختار وحی به لحاظ نحوه لحن و آهنگ و شیوه ی تشریح عبارات.
طبقه بندی سوره‌ها بر مبنای سنک و مضامین آن‌ها صرفاً ذوقی و سلیقه‌ای بوده و توانایی تعیین تاریخ نزول سوره‌ها را ندارد ولی معیار نخست او یعنی استفاده از اشارات و تصریحات قرآن به رخدادهای زمانمند زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌تواند در کنار روایات صحیح، سودمند و راهگشا به شمار آید.

۱۰- تئودور نولدکه (THEODOR NOLDEKE) (۱۸۳۶ - ۱۹۲۰) خاورشناس آلمانی آثار متعددی از خود در مجای نهاده است که مهم ترین آن‌ها کتاب «تاریخ قرآن» (Geschichte des Qorans) می‌باشد این کتاب که به زبان آلمانی نوشته شده و تاکنون به هیچ زبانی ترجمه نشده است شامل سه بخش بزرگ و نزدیک به نهصد صفحه است. بخش اول آن درباره‌ی وحی است که در توصیف آن می‌گوید: پدیده وحی ناشی از انفالات و تأثیرات شدیدتی بود که بر پیامبر صلی الله علیه و آله سطره داشت. آنگاه به ذکر منشأها و زمینه‌های پیدایش قرآن کریم می‌پردازد و عواملی همچون محیط زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و نقش اهل کتاب پیروزیهود را در این زمینه ذکر می‌کند. سپس به تشریح سنک و سیاق قرآن و مضامین کلی سوره‌ها می‌پردازد و قرآن را به دو قسم مکی و مدنی تقسیم می‌کند.

سوره‌های مکی را نیز به سه طبقه تقسیم می‌نماید. بخش دوم - جمع و تموین قرآن، در چند مرحله صورت پذیرفته است. دیدگاه شیعه درباره‌ی نض قرآن و واسطه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بنا به عهد و بضاری را مطرح می‌کند. در بخش سوم، قراءات و رسم الخط قرآنی را توضیح می‌دهد. موسوعه المستشرقین، تألیف عبدالرحمن بدوی، ص ۷۱۴ - ۷۲۴.

۱۱- ژرژ بلاشر (REGISBLACHERE) (۱۸۷۳ - ۱۹۰۰) از خاور شناسان فرانسوی است که در شیوه‌ی پژوهش به ویژه از تولد که بهره جسته و تحت تأثیر او قرار گرفته است. مهم ترین اثر او کتاب «مقدمه‌ای بر ترجمه قرآن» (coran Introduction au) است که بوسیله دکتر محمود امیر به زبان فارسی برگردانده شده و با نام «در آستانه قرآن»

انتشار یافته است. این اثر بلاشر در باره‌ی از موارد متصفاانه اظهار نظر کرده و تند روی‌های خاور شناسان را نعی پذیرد. بنا و حوه این خطاهایی را نیز در آن می‌توان یافت.

۱۲- هرشفلد (Hirschfeld) (۱۸۵۲ - ۱۹۳۳) خاورشناس آنگلیسی در اثری به نام «تحقیقی تازه درباره‌ی ترکیب و تفسیر قرآن» (New Researches into the composition and Exegesis of the Quran, London: ۲۰۹۲)

بیشتر سوره‌های قرآن را بر حسب مطالب و محتویات آن تقسیم بندی کرده و درباره‌ی انشاء و ترکیب و فصاحت قرآن مطالب جالبی نوشته است. تقسیم بندی او به قرار ذیل است:

یک - سوره ۹۶ که صورت یک اعلامیه‌ی را دارد
دو - متونی که بیشتر محتوی آیات تأکیدی و اثبات با برهین است

سه - سوره‌های خطایی و مرعطه‌ای

چهار - سوره‌های محتوی داستان‌ها

پنج - سوره‌های شامل توصیف قیامت و بهشت و دوزخ

شش - سوره‌های محتوی مقررات حقوقی

وی بسیاری از سوره‌ها را متعلق به تاریخ‌های متفاوتی دانسته است.

(بگریه به: دکتر محمود امیر به تاریخ قرآن، ص ۶۲۲)

۱۳- ویلیام مور (WILLAMMUR) (۱۸۱۹ - ۱۹۰۵) خاورشناس و میسیونر انگلیسی است در کتاب «قرآن، ترکیب و تعلیمش» (The Coran: Its composition and teaching) سوره‌های قرآن را در شش گروه طبقه بندی کرده که پنج گروه آن مکی و یک گروه آن مدنی است. او در طبقه بندی اش بسیار به روایات سیره پیامبر صلی الله علیه و آله تکیه نموده است.

۱۴- مور معتقد بود که سوره‌ی علق نخستین سوره‌ی است که در آغاز دعوت علنی نازل شده است و علت این که هیچ‌گونه سوره‌ی پیش از سوره‌ی «علق» ذکر کرده، این بوده که آن‌ها را به عنوان پیام الهی نیافته است.

۱۵- سنک: در اصطلاح ادبیات عیارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار بوسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر (رک: لغتنامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲) گرچه به لحاظ سنک، تغییراتی در طول سال‌های نزول وحی به وجود آمده است اما هیچ دلیلی وجود ندارد که تمام سوره‌های دارای سنک یکستان متعلق به دوره‌ی خاصی باشند و در دوره‌های دیگر یافت نشوند. بنا بر این سوره‌های قرآن بر حسب سنک و اسلوب چندان متمایز نیستند تا بتوان آنها را به صورت قطعی طبقه بندی کرد.

۱۶- ملاک کوتاهی یا بلندی آیات و سوره‌ها نیز امری ذوقی و تخلیقی است و نمی‌توان بر پایه‌ی آن میان مراحل دوران وحی مکی و وحی مدنی تفکیک قائل شد و اساساً کوتاهی و بلندی آیات امری توفیقی است نه اجتهادی.

(رک: سناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹)

۱۷- بولدکه استعمال سوگند در نخستین آیه از سوره‌ها را نشانه‌ی ی تعلق آن سوره‌ها به دوران مکی و وحی مکی دانسته است. در حالی که در نخستین آیه از سوره‌های مربوط به دوران‌های دیگر وحی نیز سوگند مشاهده می‌شود. «والقاریات ذروا، ووالجم اذا هوی، ووالقلم و ما یسطرون، لاقسم بکون القینامه، ووالبرسلمات عرفا، ووالنارعات عرفا، ووالسماء ذات السروج، ووالسماء و الطارق، ووالفجر، لاقسم بهذا اللک، ووالعصر» بولدکه همه این سوره‌ها را جزو سوره‌های دوران نخست مکه یاد کرده است و جالب

اینجاست که تعداد این سوره‌ها بیشتر از سوره‌هایی است که جزو دوران میانی مکه برشمرده که یا سوگند آغاز شده‌اند.

۱۸- خاورشناسانی از قبیل «بول دیک»، «بولدک»، «بور» و «جوتن» بر این باورند که حروف مقطعه به هیچ وجه جزو اصلی قرآن نبوده‌اند. «بول دیک» می‌گوید این حروف رمزهایی برای مصاحف قرآنی برای مسلمانان پیش از به وجود آمدن مصحف عثمانی بوده‌اند. «بولدک» معتقد است که این حروف علامت اختصاری صاحبان مصحفه‌هایی است که زید بن ثابت آن‌ها را برای جمع قرآن مأمور ساخته بود.

اما «بور» و «جوتن» گمان کرده‌اند که حروف مقطعه علامت اختصاری نام‌های پیشین سوره‌های قرآن هستند. (ر.ک: انشیخ فواد کاظم الحفادی، «الاسلام و شبهات المعشرین»، ص ۱۲۲). ولی قول حق آن است که تمام حروف مقطعه از ابتدای نزول جزو اصلی سوره‌ها بوده و هستند و به لحاظ معنا و معاد تفسیر مختلفی برای آنها ارائه شده است مثلاً علامه طباطبائی «ر» در تفسیر سوره شوری فرموده‌اند: چنانچه در سوره‌هایی که به حروف مقطعه افتتاح شده تدبیر شده مانند «الم» «ها» «آر» «ها» «طس» «ها» و «ح» «ها» هر آینه می‌بایست که این سوره‌ها از حیث محتوا مشابه یکدیگرند و سیاق آن‌ها یکنواخت است. لذا ممکن است چندین واژه شود که بیان این حروف و محتوای سوره‌های مربوطه را بی‌خطای وجود دارد به عنوان نمونه سوره اعراف که به «الم» مصدر شده، شاید جامع محتوای سوره‌های «الم» و «ص» باشد. (ر.ک: العیزان، ج ۱۸، ص ۶) و استاد معرفت نیز پس از ذکر چند احتمال، اضافه می‌کند: سبب ترحل نظر بر این باورند که حروف مقطعه رموز و اشاراتی هستند که جزو ابیای مقرب، کسی را بدان راه نیستند در میان غربت نیز چنین شیوه‌ای وجود داشته که با رمز و اشارت سخن می‌گفتند.

(بنگرید به: التمهید فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۳۱۰-۳۱۵)

۱۹- خاورشناسان اغلب برای طبقه‌بندی سوره‌ها و تعیین یکی و مدنی بودن آن‌ها و ترتیب نزولشان سه انگشت و مسند و مصحف سوره‌ها نوشته و استناد نمودند و کمتر اعتنایی به روایات سه و پاره روایات ترتیب نزول - کرده‌اند. در نتیجه ترتیب‌هایی را از سوره‌های قرآن ارائه داده‌اند که نه تنها با ترتیب روانی سبازگار نمی‌باشند بلکه میان خود آن ترتیب‌ها اختلاف بسیاری وجود دارد.

(ر.ک: جعفر تکوینام، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ص ۱۱ و ۲۹۶-۲۹۷)

۲۰- این ادعا که «علی علیه السلام» پس از انتشار مصحف عثمانی اجازه داد که مصحفش سوزانده شود کذب محض است. در روایتی طلیحه از علی علیه السلام در باره سوزن شدن مصحف آن حضرت سؤال نمود، حضرت فرمودند: «مصحف خود را به همان شخصی که پیامبر صلی الله علیه و آله به من سفارش داده من هم به فرزندم حسن که پس از من وصی من و از همه به من سزاوارتر است. فرزندم حسن مصحف را به فرزند دیگرم حسین می‌دهد و پس از او بر دست فرزندان حسین علیه السلام یکی پس از دیگری تسمیر خواهد گرفت...» (بخار الأنوار، ج ۸۹، ص ۵۲-۴۰)

کتاب شناسی

- ۱- سر و این اسحاق
- ۲- تاریخ طبری
- منابع فرعی:
 - ۱- محمد، انسان و ایمانش نوشته منی انشرا چاپ ۱۹۳۶ در بیروت
 - ۲- منها الاسلام من محیط مسیحیت آن نوشته رجاء علی چاپ ۱۹۲۶ در لندن
 - ۳- درآمدی بر قرآن نوشته بلاشر، مهسال ۱۹۷۷
 - ۴- شعرهایی در سرزمین‌های مقدس نوشته آرنون و فایرستون چاپ ۱۹۹۰ در نیویورک
 - ۵- ترویج‌های یونان در باره تدوین و تفسیر قرآن نوشته فرمفیلد چاپ ۱۹۵۲ در لندن
 - ۶- اگر ارمی در قرآن نوشته «رولف سارک» چاپ ۱۹۵۸ در پاریس
 - ۷- قرآن، کسب و تعلیمش نوشته ویلیام مور چاپ ۱۸۷۸ در لندن
 - ۸- محمد و قرآن نوشته استوت گارت چاپ ۱۹۵۷
 - ۹- محمد در مکه نوشته وات چاپ آکسفورد در سال ۱۹۵۳
 - ۱۰- محمد در مدینه نوشته وات چاپ ۱۹۵۴ در آکسفورد
 - ۱۱- تاریخ قرآن نوشته جی. ویل چاپ ۱۸۶۶ در نیپلند
 - ۱۲- محمد و یهودیان مدینه نوشته ای. جی. وانسیک چاپ ۱۹۷۳ در نیویورک
- کتابخانه:
 - ۱- قرآن
 - ۲- بیح القادری، ترجمه محمد دشتی
 - ۳- اسکندر زور، محمد جواد میرزا و نقد دائره المعارف قرآن لبنان، لبنان، سال هشتم، بهار ۱۳۸۲، شماره ۲۹
 - ۴- دائره المعارف جامع الموسوعه المستشرقین، ط ۲، بیروت، دار العلم للملايين، ۱۹۸۳
 - ۵- داخدا علی اکبر، اختیاریه ج ۲، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش
 - ۶- دیهان، محمود، تاریخ قرآن، ج ۲، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش
 - ۷- زرقانی، محمد، صفا، المطبوعه تباهل القرآن فی علوم القرآن، ط ۲، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۸۱
 - ۸- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۸۲ ش
 - ۹- مطهری، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، الزمان، ۱۴۰۳ ق
 - ۱۰- مرقه، محمد مهدی، التمهید فی علوم القرآن، ط ۲، قسم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق
 - ۱۱- مفقودی، فواد کاظم، الاسلام و شبهات المعشرین، ط ۲، مجمع العالمی لاجل الصحیفه الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق
 - ۱۲- تکوینام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ج ۱، تهران، نشر هستی، بهار ۱۳۸۸ ش
- Gerhard Bowering, Chronology and the Quran, Encyclopaedia of Quran, Leiden, ۲۰۰۰